



سرمقاله \_\_\_\_\_ پیام  
**کمیته مرکزی اتحاد  
 مبارزان کمونیست**  
**به مناسبت اول ماه مه**

۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۲ ۵۰۰ ریال

**بیانیه اعلام موجودیت  
 کمیته برگزارکننده کنگره  
 مؤسسه حزب کمونیست**  
 در صفحه ۱۲

**اطلاعیه  
 کمیته برگزارکننده خطاب  
 به سازمانهای سیاسی**  
 در صفحه ۱۶

اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر  
 است و مبارزین و مبارزات را به هم می‌رساند و  
 متحدان را از تمام کشورهای جهان و  
 ملت‌ها با آزادی توده‌های ستمدیده‌ها و  
 کارگران را از سراسر جهان به وحدت و  
 پیروزی و اتحاد و دولت‌ها و احزاب و اعوان و انصار  
 به پیروزی می‌رساند.

**به مناسبت اول ماه مه:  
 پرچم حزب کمونیست  
 را برافرازیم!**  
 در صفحه ۵

**در صفحات دیگر بدویند:**  
 • مجاهدین قانون کار را در چه باب خواهند نوشت  
 صفحه ۱۵  
 • نکاتی درباره وظایف تبلیغی کمونیست‌ها درقبال  
 جنبش انقلابی خلق کرد  
 صفحه ۲۶  
 • پاسخ به نامه‌ها  
 صفحه ۲۹

**گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر**



اندلسی مقاله: پیام کمینته مرکزی ...

رنگارندگان برای کمینته مرکزی و خاک با عیند  
برخاست طبقاتی این عید جهانی بردگان جامعه  
سرمایه داری بد تکاپو می افتند در این روز  
سخنوران و قلمزنان بورژوازی از هر منگذی  
بهرون میخیزند و مبلهونها عبارت بسططططط  
در ستایش آفتاب طبقاتی کارگران و  
سرمایه داران از حنجره ما و قلمهای ریاضکار  
خود بهرون می ریزند

آنان که بقا نظام انگلی خود را بر موقت  
و بیگاری هر روزه مدعا می نمایند کارگر زن و  
سرد و بیرو غریبان متکی کرده اند آنگاه  
که از اول ماه مه پارسیان تا کنون  
میلادها را روز کار دیگر را در کسبهای گفاد  
خود ریخته اند آنگاه که زندانها پستان را از  
بهربران مبارز کارگران پر کرده اند و شکنجه  
گاهها و سیاه دین اعدا شان را بپای مبارزین  
راه رهایی طبقه کارگر به آخرین تجهیزات  
آراسته اند همه در این روز زبان بی گشاید  
و در بر خردن نهضات جامعه سرمایه داری برای  
کارگران سرخیز و پودبار خاد سخن میدهند  
در این روز همه کارگر میشوند از راکفلرها  
و ریگان ما و تاجرها و آندروپفها تا این و  
آن آیت الله و تیسار و شکنجه گره همه و همه  
در صدام ایستگاه تلویزیونی و تالار و مجلس  
و منبر ظاهر میشوند تا در همه شب بازی کارگر  
دوستی و کارگر پرستی بورژوازی حرکت کنند  
و هر آنکس که جنایات ضد کارگری را از حد گفته  
باعد و یا هیچ قسم و آبهای نتواند مدعی  
کارگر بودن و کارگر نوازی خود به «روایات  
سند و معتبر» تکیه می پسندد ثابت کند که  
صد هزار سال قبل روزی بسطططت و رهبر

بسیزر گواریش در کوره راهی به کارگری سلامی  
داده و با « اندر نواید کارو کارگر»  
رساله ای نگاشته است.

هر روز اول ماه مه بورژوازی در حراسر  
جهان در پدیان حکومت نظامی اعلام میکند به  
ارتشها و ساواکیه و سیاها و سوادها  
آماده باش میدهند جاسوسان و مزدوران  
را در کارخانجات و محلات کارگری فعال میکنند  
و همه ارگانهای سرکوب و ستم و تحمیل خود را  
بکار می اندازد تا این روز بی بسلا بگذرد.

اینجا در این مملوک ترین و منزلق ترین  
حکومت بورژوازی جهان اول ماه مه به هر  
طریق ممکن و با فوت و تولد و هجرت و وطن  
این با آن آیت علسا و حجت الاسلام بنطط  
میخورد تا شاید اهمیت طبقاتی این روز  
خود تا شاید شمارها و سرورهای رزمنده طبقاتی  
کارگران در لایلهای نوحه خوانها و سینه زنیها  
و ذکر جمعیت های جمعیت های کرایه ای و بلند  
گوهای گوناگون حکومت غری خود  
براستی اول ماه مه طولانی ترین و سخت  
ترین روز سال برای بورژوازی و نوکران ریزر  
درشت او در سراسر دنیا است.

اما پیام طبقاتی اول ماه مه پیش از هر  
زمان دیگر در ذهن طبقه کارگر ایران زنده  
است همیشه و تفکرات طبقاتی همواره اول ماه  
مه است و هیچ بخش از طبقه کارگر جهانی  
امروز به اندازه کارگران ایران به  
حقانیت انکارنا پذیر این شمار واقف نیست  
زیرا هیچکس به اندازه طبقه کارگر ایران  
در سالهای اخیر طعم تلخ تفرقه بین تفکرات  
و دنیا بینی از طبقات دیگر را نچشیده است  
کارگران ایران در مقیاس میلیونی بحسرت



درآمده قریباً نهان بسیار دادند و دست به اسلحه بردند و بر علیه فقر و استثمار بی حقوقی سیاسی قیام کردند اما قدرت مستقل و متفکر خود را برجای آنچه منهدم میکردند نفعاً ندادند. سال گذشته شاهد این بود که چگونه انقلاب و قیامی که میتوانست یک حکومت کارگری بدون خون و هرا بر سر کار آورد، عقیم ماند و شاهد این بود که چگونه عمیقاً ما و بازرگانها و بنی مفسرها برجانبه ما آویزان شدند و به نیروی خود ما بر ما حاکم شدند و شاهد این بود که چگونه پراستی حتی خونین ترین قیام کارگران غیر متفکر و قیام کارگران غیر مستقل و قیام کارگران فاقد حزب طبقاتی نیز جدا گسرتنفا به انتقال قدرت میان دشمنان طبقاتی طبقه کارگر میانجامد. آری اکنون نرس و بهام اول ماه مه در خون صد ها هزار کارگر آگاه ایران جریان دارد. بهام اول ماه مه همبستگی و تفکر طبقاتی، چکیده نرسای تاریخی و مهمی است که کارگران ایران به بهائی گزاف آموخته اند.

مقتدر مهروود تا حزب سیاسی مستقل خود را برپا ندارد. حزب کمونیست و حزب پهلوی و سمن و آگاه سمن کارگران و انقلابیون کمونیست مهروود تا ساخته شود و با خود نیروی مملوئی توده های طبقه کارگر را آزاد کند و به حرکت درآورد. اگر جمهوری اسلامی توانست دستاورد های دمکراتیک قیام پهلوی را یک به یک باز پس گیرد و اگر قادر گشت مفه در هم شکستند. ضد انقلاب را در برابر جنبش کارگری و کمونیستی ایران سازمان دهد و هجوم اقتصادی و سیاسی و سیاسی را برای احیای بهت سرمایه داران ایران آغاز کند و هرگز نتوانست و نخواست توانست جریان آگاهی و سازمانهای نیرویون طبقه کارگر ایران را سد کند. نر تمام مدت پس از قیام مبارزه برای تشکیل عملی حزب کمونیست ایران نرسخت ترین عرایط سیاسی و حتی نر زیر مجموعه و عیناً نه پلایسی و نظامی بورژوازی و به لطف جانبازی هزاران رفیق کارگر و کمونیست انامه یافته است. ما اکنون پس از دهها سال در آستانه تشکیل عملی حزب کمونیست ایران قرار گرفته ایم. حزب ما دستاورد تاریخی انقلاب ایران است که هیچ نیروی قادر به باز پس گیری آن از طبقه کارگر ایران نیست.

پس سردیید اول ماه مه اصل میتوانست آغازی نوین برای طبقه کارگر ایران باشد. نداوم اعتراضات و مبارزات کارگری در عراقی که دیگر افعال معتبرین جامعه به انگال مختلف از انامه مبارزه انقلابی با زمانه و ناتوان گشته اند و سرکشت نفاحت با ن قانون گسار اسلامی نرسوا چه با ابتدائی ترین جلوه های مساوی و معترض کارگران گواه نیرو و توان عظیم جنبش طبقه ما است و امروز این طبقه

رفقاسی کارگر!

باید اصل چین اول ماه مه راتحت همسر عراقی هرچه با عکوه نسر بر گزار کنیم. نر گردنهای همای خود با ن هزاران رفیق مبارزی

## زنده باد اکثر ناسیونالیسم پر و تتری!



حزب خود متکی خواهیم . در صفوف حزب کمیونست ایران گرد آئیم و کاری کنیم که اول ماه آینده هرچم سرخ حزیمان بر سر کار بیاید و کاری که در اختیار ما باشد و سرود رهائی یعنی حزب کمیونست و انقوائی سوسیالیست در صفوف یکپارچه کارگران ایران طنین اندازد .

گرواسی باد اول ماه  
 بهروز باد جنبش جهانی طبقه کارگر  
 زنده باد حزب کمیونست  
 زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمیونست  
 ۱ اردیبهست ۱۳۶۲



را که راه رهائی طبقه کارگر و راه حزب کمیونست را با جانمیزی خود کوفتند و هموار کردند گرامی بداریم و پیمان خود را به ادامه راه آنان تجدید کنیم . پیمان ببندیم که بسا تمام وجود برای از میان بردن هر نوع تفرقه و شکاف در صفوف جنبش کارگری خواهیم جنگید . پیمان ببندیم که یک قدم یا هر آنچه نشانی از نظام استعمار وستم طبقاتی جامعه سرما پهداری پر خود غار سازش نخواهیم کرد . پیمان ببندیم که دیگر اجازه نخواهیم داد عبارات کارگران باز بچه دست احزاب و سیاستمداران عوام فریب طبقات دارا گردد . پیمان ببندیم که خود آخرین نسل کارگزارانی خواهیم بود که به پرده گی سرمایه تن دادند و عزم جزم کنیم تا رسالت طبقاتی خود را به دشواری گورکن سرما پهداری و این پهن از تاریخ بشریت و قاطعانه به انجام خواهیم رساند .

رفقا!

جهان سرمایه داری امروز در اوج توسعه و پربرکتی عاجز و بمران زده و معتض است ، جمهوری اسلامی ایران خود سبیل و بهترین گواهی این بربرکت و ناتوانی و توسعه و بمران است . سالها مبارزه و پیروزه یعنی اول سال نبرد بی ایمان در سخت ترین و در عین حال مشغول ترین شرایط جنگ جامعه انقلابی بسا هارترین نیروهای ارتجاعی بورژوازی و امپریالیسم و اکنون ما را برای نبردهای تاریخ ساز طبقاتی آینده کرده است .

رفقا!

ما بیزاریم و نیرومند . پس به خود و به



**بمناسبت اول ماه مه:**

**پرچم حزب کمونیست را برافرازیم!**

رفقای کارگر!

معادن زغال سنگ انگلستان در زیر فشار کار  
۱۸ ساعته و ۲۰ ساعته هر روزه جان می سپردند  
تا امروز پی وقفه بر علیه سرمایه داری و فلاکت  
و بی حقوقی که به اکثریت عظیم جامعه تحمیل کرده  
است جنگیده است. شرطی این مبارزات روز بروز  
بر آگاهی کارگران به بر وجه تفکک و انحصار نفسان  
و بر نتیجه بر نیرو و قدرت طبقاتی آنان افزوده  
عده است. رهبران برجسته کارآه و از جهان  
گرفته ای از نکل این مبارزات به یرون آمدند که هر  
گردآوری و سازماندهی و رهبری آردوی کار و جلب  
و جنب و ستمترین توده های کارگر به مبارزه علیه  
استثمار روحا که سرمایه نفس و تانصارات حمایتی  
و تاریخ سازی برجای گذاشتند.

اول ماه مه میل من آرائی دو دنیای متضاد  
در مقابل یکدیگر است. دنیای کار که برای  
آزادی و برابری تمام افراد بشر مبارزه میکند  
و دنیای سرمایه که برای حفظ زنجیرهای  
اسارت و بردگی و استثمار انسان از انسان به  
جنایت و توطئه مشغول است. دنیای کارگر که  
میلیونها کارگر و زحمتکش محروم از همه  
چیز بجز نیروی کار کردن را در صفوف خود دارد و  
دنیای سرمایه که تمامی ابزار کارخانهجات  
و موسسات بزرگ و کوچک را در اختیار مفتشی  
سرمایه دار استثمارگر و انگل صفت قرار داده  
است.

یکی از معروفترین و با عظمت ترین این  
مبارزات نمرد تاریخ و طبیعتی کارگران آمریکا  
برای هفت ساعت کار در روز، موقوف عدل و انصاف  
مزد مساوی برای زنان و مردان و حق آزادی  
بسیان و تفکک اتحادیه و سایر مطالبات  
کارگری در سال ۱۸۸۶ میلادی.

در یکصد و هشتاد و هشت سال پیش کارگر  
قرار دارند که برای زنده ماندن تا گزیرا ز نیروی  
نیروی کار خویش آند و در سوسی دیگر ماحسان  
قلیل سرمایه که به "انبات و انبات"  
می اندیشند و اعتنا به شان برای بلعیدن نیروی  
کار کارگران به نازلترین قیمت و سرزی  
نی غناسند. تاریخ بر افتخار جامعه سرمایه داری  
تاریخ شله پی از نکل کارگرانی است که به  
بردگی هر روزه چشم گودند و برده از جهان  
رفتند. سرمایه داری تنگی بر دامان بشریت  
است که باید زدوده خود. مبارزه طبقه کارگر  
برای رهائی بشریت از یوغ سرمایه داری نیز به  
اندازه خود سرمایه داری قدمت دارد. طبقه  
کارگر از زمانیکه کودکان هفت ساله اش در

ایجاد این مبارزات به اندازه ای گسترده و  
مطالبات آن چنان منطقی بر خواستها و اعمال  
میلیونها کارگر تحت ستم و استثمار بود که  
بزودی موجی از اعتصابات و تظاهرات وسیع  
و میلیونی سراسر آمریکا را در بر گرفت. مرکز  
این مبارزات شهر شیکاگو بود که به  
از ۲۰۰ هزار کارگر در آن دست به اعتصاب و

**پیشن بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!**



تظاهرات زده بودند.

توس و وحشت‌ناپای سرمایه‌داران و پلیس و حکومت‌آنان را فرا گرفته بود. اختصار و قدرت نامحدود آنان برای استثمار کارگران را خطری جدی تهدید میکرد. سرمایه‌داری با تمام سلاحهای خوده از قانون و دادگاه و پلیس و تفنگ و بمب و جاسوس به میدان آمده با انفجار بمبی در صفوف پلیس توسط یکی از جاسوسان حکومت سرمایه به پورش و صحنه به صفوف کارگران و تراکتور کارگری آغاز شد. یعنی از ۷۰ نفر از کارگران کشته و متجاوز از ۱۵۰ نفر زخمی شدند. دفاتر و اموال کارگران غارت شدند و به آتش کفیده شدند. رهبران کارگران دستگیر و چند روز بعد در بیدارگاههای سرمایه به بهانه "واهی و بوج بجه اندازه" مسموم فی الارض شناخته شده و در روز اول ماه به بهار آویخته شدند.

بدینسان روز اول ماه مه روز صاف تاریخی دو دنیای کار و سرمایه، روز اعلام جنگ جهانی دنیای سرمایه به کارگران و روز برافشاندن نقاب از چهره کریم و خدائسانی سرمایه است.

در این روز سرمایه‌داری آشکارا نشان داد که جوهر و اساس مناسبات و روابط این دودنهای متضاد را فقط زور و نیرو تعین میکند و بس. سرمایه‌داری نشان داد که برای تداوم و حفظ بساط استثمار و جهاولگری از دست زدن به هیچ جنایتی روگردان نیست. همچنین در این روز فریاد دنیای کار جنبی بر اعتقاد سرمایه پسندگی سرمایه‌داری یعنی برعزم و اراده‌اش به رهائی بشریت از سیه‌روزی و نکبت و غارت خرابی حاصل از آن در جهان طنین افکند. در این روز رهبران مبارزات حق طلبانه، توده‌های کارگر نیز همگامی آمریکا با اغتیار و سری

الترائه در مقابل جویبه‌های تار سرمایه ایستادند تا اراده و تصمیم خلق نابده کارگران را برای نابودی حاکمیت سرمایه و رهائی انسان از قید اسارت و بردگی و استثمار به همه جهاغسان اعلام کند.

این روز فرا و لمن گذرگاه انقلاب سوسیالیسم کارگران در سال ۱۸۸۹ یعنی در روز جهانی کارگر، روز جن همبستگی و اتحاد دنیای کار در مبارزه‌های برای نابودی نظام سرمایه‌داری شناخته شده است. کارگران سراسر جهان در شرایط و موقعیتهای گوناگون با گردهمایی‌ها، تجمعات و راهپیمایی‌ها و جشن و سرورهای مختلف به یکدیگر پیوسته شدند. بزرگ‌ترین گرامی‌مدارند و با تعدادی از آنها سواد، رفتاری که توسط حکومت سرمایه اعطاء و بسا دستگیر شده‌اند، با بحث و تصمیم‌گیری در مورد مسائل و مشکلات مبارزاتی خود و با تبادل نظر و طرح نقش عمل‌همسانی برای به‌سپردن امور مشترک خود، صفوف خود را در بسا ریزه علیه حاکمیت سرمایه هرچه بیشتر آگاه و متشکل و متحد میکنند.

روز اول ماه مه برای کارگران یاد آور و زنده کننده آرمان اتحاد همه کارگران سراسر عالم در مقابل تمامی سرمایه‌داران دنیا و منافع مشترک همه کارگران جهان در برابر سرمایه‌داران است.

همان اندازه که روز اول ماه مه با یاد آوری قدرت و همبستگی جهانی و عکس‌تاب پذیر کارگران موجب تدانی و جشن و سرور توده‌های کارگر میشود، به همان اندازه دنیای سرمایه و استثمار و جهاولگری را به وحشت می‌اندازد. سرمایه‌داران و استثمارگران شمار این روز یعنی "کارگران جهان متحد شوید" را ناقوس مرگ خود و پایان نظم سرمایه بساط



چها ولگری و استثمار و مفت غوری خود میداند. به همین علت هر سراسر دنیا حکومتهای سرمایه داری راهبمانی و تظاهرات توده های کارگر را در این روز مشوع میکنند. پلیس و ارتش خود را در کنار دسته های مزدور و مسلح اعصاب شکن به جان توده های کارگر می اندازند. از تعطیل و جفن عمومی ممانعت میکنند. در محلی کشورها اصولا اول ماه مه را برسمیت نمی شناسند و در آنجا که قادر به جلوگیری از برگزاری مراسم و گردمانی توده های کارگر نیستند میکوشند تا این حرکت را از مسیر طبقاتی خود منحرف کرده و به بیراهه بکشانند.

در ایران رهبر حکومت اسلامی سرمایه بسا اراکین از این قبیل که "سرمایه دار هم کارگر است" خدا هم کارگر است و مورچه و موربان هم کارگرند و هر روزی روز کارگر است " سر سبردگی و تعلق اشکار خود و حکومتی به دنیای سرمایه و استثمار را به نمایش گذاشته است. در ایران دولت اسلامی سرمایه حتی از برسمیت شناختن نام کارگر هم در قانون کار خد کارگری خود داری کرده است.

حکومت اسلامی سرمایه در ایران در مقابل با جنبش کارگری هم توأ و هماهنگ با سایر دول سرمایه داری جهانی عمل میکند. پورش به سازمانها و تشکلهای کارگری و کمونیستی و انحلال و تعقیب شوراهای و سایر تشکلهای واقعی کارگران و اغراجهای دستجمعی توده های کارگره دستگیری و شکنجه و اعدام عدها کارگر مبارزه پیرو و کمونیست و ممنوع کردن هر

نوع تبلیغ و تظاهرات و اعصاب کارگری به رسمیت شناختن هیچگونه حقوق سیاسی و منفسی برای کارگران و تعلیم سازماندهی دسته های تروستی و فاشیستی و حزب اللهی اعصاب شکن برای حمله به هر نوع حرکت اعتراضی کارگران و زحمتکشان و اینها و دهها موارد دیگر اقداماتی هستند که نه فقط توسط حکومت اسلامی سرمایه در ایران بلکه در تمامی دنیای سرمایه داری از آرژانتین و اسرائیل و آمریکا گرفته تا انگلستان و ژاپن و آلمان و اژهند - ستان و عراق و پاکستان گرفته تا فرانسه و لهستان و آفریقای جنوبی به اشکال گونا گونی صورت میگردد.

در طول بهی از ۴ سال ما کمیت جمهوری اسلامی هزاران کارگر مبارز اغراج، دستگیر و اعدام شده اند. استثمار توده های کارگر تعدید شده و عقب نمیشی هائی به نفع سرمایه و استثمار به جنبش کارگری تحصیل گردیده است. به همین همین خدمات جمهوری اسلامی به سرمایه و امپریالیسم اسال اول ماه مه رفقای مبارز بسیاری در میان ما نیستند. حکومت اسلامی حقایق فوق را با هر پورش وسیعی که به کارگران و زحمتکشان آورده با هر ضربه ای که به جنبش کارگری و کمونیستی زده است و با هر قدمی که کارگران و زحمتکشان ایران را به عقب رانده است به دنیای سرمایه و امپریالیسم رو کرده و پایتخت این غوغا منفسی و با بت تلالی ما دقانه ای برای بازگرداندن امنیت آریا سوری برای سرمایه و امپریالیسم در ایران طلب مدال و تالیف و پاداش کرده است.

**مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم**



در چنین شرایطی است که حکومت جمهوری اسلامی حمله سراسری و همه جانبه خود را به کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و مخصوصاً خلق رزمنده و مبارز کرد آغاز کرده است. از یکطرف با طرح قانون کار و قهقانه و ضد کارگری مصوب دولت اسلامی و تلاش برای تثبیت آن کوشیده است تا بی حقوقی مطلق و استثمار بی حدود مرز کارگران توسط سرمایه را رسمیت قانونی بخشد. و از جانب دیگر با شروع وسیعترین و گستردهترین یورش نظامی خود به کردستان انقلابی، با بن سنگر کارگران و زحمتکشان و قلب تپنده انقلاب خواسته است تا این کانون انقلابی را خاموش کند. حکومت اسلامی سرمایه امیدوار بود که عید امسال کارگران دستمزد یگان را به عزا تبدیل کند. اما جمهوری اسلامی در هر دو زمینه پاسخ دندان شکنی گرفته است. قانون اسلامی کار چنان موج وسیعی از اعتراض و مخالفت را در میان توده های کارگر برانگیخت که سران حکومت دخالت خود در تدوین این قانون را منکر عده و برای جلوگیری از گسترش و تعمیق مخالفت و اعتراض کارگران بی سر و صدا آنرا پس گرفتند. در کردستان انقلابی هم رژیم با چنان موجی از مقاومت مسلحانه زحمتکشان تحت رهبری کمونیستها مواجه گردید که ابتدا انتظاری را نداخت. رژیم در یکماهه اول سال ۱۳۶۲ بیش از هزار نفر فقط در مواجه با نیروهای مسلح کمونیستها به رهبری سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له - کشته و زخمی داده است.

مهمتر از همه طبقه کارگر ایران عید اول ماه امسال را پس از ۶۰ سال در شرایطی برگزوار میکند که علی رغم همه شرایطات و ظایمات و عقب نمایی ها در آستانه تفکیر

ما زمان سیاسی و سراسری عبود در آستانه حزب کمونیست قرار دارد. طبقه کارگر امسال عید اول ماه مه را در شرایطی برگزار میکند که هر چند قدمی فتح اساسی ترین و با اهمیت ترین سنگر مبارزه بر علیه سرمایه داری در چند قدمی تشکیل حزب مستقل طبقاتی آن حزب کمونیست و برافراختن پرچم این حزب در صف مقدم توده های مبارز و معترض کارگر و همه قریباً نیا نستم و استثمار سرمایه و امپریالیسم قرار دارد.

حزبی که انقلابی ترین و پیشروترین و آگاهترین کارگران و انقلابیون کمونیست را در یک سازمان واحد و در زیر یک پرچم واحد متحد و متفکک خواهد کرد. مبارزات پراکنده کارگران را هماهنگ و رهبری خواهد کرد و ستاد رهبری کننده مبارزه طبقه کارگر و توده های تحت ستم بر علیه سرمایه و حاکمیت آن در هر لباسی چه اسلامی و چه غیر اسلامی خواهد بود.

جنبش کمونیستی طبقه کارگر در طی ۴ ساله اخیر موفق شده است که قدم بقدم راه تفکیر چینی حزبی را هموار کند. قدم بقدم مدعیان دروغین مارکسیسم و کمونیسم را رسوا و طرد کند و پایه ها و مبانی استقلال ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی پروتاریا در مبارزه علیه حاکمیت سرمایه را مشخص و تحکیم و تثبیت کند. ماهیت ضد کارگری نظریات و اهداف این جریانات روبریونستی و پوپولیستی افشا شده و در مقابل با اهداف و آرمانهای انقلابی پروتاریا در پرنامه حزب کمونیست مشخص و بیان شده اند. روشها و شیوه های عملی کار این جریانات در عرصه های تبلیغ و ترویج و سازماندهی و رهبری





مبارزات کارگری نقد و طرد عده و در مقابل، سیک کار و عیوه، کمیونیتی مبارزه در عرصه‌های مختلف معنی و معین گفته‌اند و سرانجام کمیونیت برگزارکننده، کنگره، موسس حزب کمیونیت است. متذکر از نمایندگان به‌گیرترین و به‌شورترین سازمان‌های کمیونیتی برای تدارک کنگره، موسس حزب کمیونیت در آینه، نزدیک تشکیل گردیده است.

اکنون طبقه کارگر ایران مصی رود که حزب خود، سازمان مستقل طبقاتی خود را در مقابل تمامی سازمان‌ها و احزاب و جریان‌های ضدکارگری برپا نارد. اکنون طبقه کارگر ایران مهیور تا با هر چه مستقل طبقاتی خود برنامه، حزب کمیونیت و با سلاح مستقل طبقاتی خود، حزب کمیونیت وارد صحنه مبارزه سیاسی طبقاتی شود.

چشم انداز تشکیل چنین حزبی از هم اکنون تمام جریان‌ها و سازمان‌ها و احزاب ضدکارگری و غیرکارگری را آشفته و نگران کرده و به تکان واداشته است. هر یک از اینها به نحوی ناراضی و مخالف خود را با تشکیل حزب کمیونیت ابراز مینمایند. آنها تحققی چنین چشم اندازی را پایان رونق و شکوفایی حیات سیاسی خود میدانند. آنها در وجود چنین حزبی تصویر یک دشمن و رقیب خطرناک و هولناک را برای خود مجسم میکنند. حزب کمیونیت نیروی لایزال و شکست‌ناپذیر می‌شود. کارگر و زحمتکار تحت ستم اتکا خواهد داشت. این حزب هر چه مطالبات و خواسته‌های عادلانه و برحق اکثریت عظیم جامعه یعنی طبقه کارگر و توده زحمتکاران را برمی‌انگیزد. و مصمم است که این نیروی عظیم این نیروی انقلابی و این نیروی شکست‌ناپذیر اکثریت را تحت رهبری انقلابی‌ترین

به‌گیرترین و آگاه‌ترین و به‌شورترین بخش آن یعنی پرولتاریای انقلابی در مقابل تمامی جریان‌ها و سازمان‌ها و احزاب متعلق به طبقات دیگر متحد کند. براساسی انبساط به تحققی چنین چشم اندازی باید که بورژوازی و خرده‌بورژوازی و احزاب و سازمان‌های نمابنده آنها را آشفته و نگران کند.

اما چنین چشم اندازی همچنین باید که تمامی کارگران و توده‌های تحت ستم تمامی قریب‌بها، ستم و استثمار سرمایه و تمامی انقلابی‌موسس عرافت‌مند و مبارز-موسس راه‌بانی به‌شور است از جهل و فلاکت و استثمار انسان از انسان را غوصالی و غافلان کند.

باید که برگزاری عهدی در اول ماه مه و عهد کارگران را با شعارهای و میدواری بسط تشکیل هر چه سرعتر حزب کمیونیت ایران همراه کنیم.

باید هر کارگر و ستم‌دیده‌ای که اسم روز کارگر را می‌شنود و این روز را گرامی میداند، نام حزب کمیونیت و غیر تشکیل آن در آینده، نزدیک را هم بشنود و آنرا به‌روزی خود و حزب خود تلقی کند.

باید در هر محفل و جمع کارگری که برای بزرگداشت روز کارگر برگزار میشود بحث حزب کمیونیت و چشم انداز تشکیل آن و نقش و اهمیت و تاثیر حیاتی آن در مبارزه توده‌های کارگر بر علیه سرمایه‌داری هم مطرح شود. باید به همه توده‌های کارگر و تحت ستم گفت که بهترین و انقلابی‌ترین راه بزرگداشت اول ماه مه موثرترین راه مبارزه در راه تحققی آرمان‌های رهبران کارگران اول ماه مه است که هر دید و باز دید و گردنمائی و هر چه



سروری به این مناسبت را با اعاده و تبلیغ  
برنامه حزب کمونیست و غیر تشکیل کمیته  
برگزارکننده گذرگاه موسی این حزب به بسا  
تعمیمی و ترغیب توده‌های کارگر به پیوستن به  
این حزب و با شروع کمک و مساعدت به امر  
تشکیل هرچه سریعتر آن همراه کنیم.

حزب کمونیست ایران نه تنها یک دستاورد  
بازگشت ناپذیر برای طبقه کارگر ایران  
بلکه یک پیشروی تاریخی برای طبقه کارگر  
جهانی است. حزب کمونیست اسلحه‌ای است که در  
دستگاه‌های اردوی عظیم کار در خدمت  
مبارزه علیه سرمایه امپریالیستی و در خدمت  
امر همه کارگران جهان یعنی موسی ایسم قرار  
خواهد گرفت.

### رقبای کارگر

بهر از ۱۰ سال است که طبقه کارگر ایران  
سجده‌ها و قهرمانیها کرده است اما دشمنان  
عدالتهای پیروزی را بر سر نه زده اند.

بهر از ۱۰ سال است که این طبقه قهرمانیها  
داشته است و بهترین فرزندانش در مبارزه علیه  
چهل و ششم استعمار و با کافتاده اند اما  
نتیجه مبارزه همیشه نصیب طبقه ای دیگر  
از دشمنان کارگران گردیده است.

بارها به نیروی بازوان این طبقه در  
حرکت استاده و میرهای نفت بسته شده اند  
بارها به نیروی بازوان این طبقه لوکوموتورها  
موتورها و کارخانه‌ها تعطیل شده اند با قدرت  
جانتانی و از خود گذشتگی این طبقه یادگارها

به تسلیم کفایده شده اند دولت‌ها با تسلط و  
حکومتها سرنگون شده اند همه ما فرا افتاده  
و پاندها ن فراری داده شده اند..... اما  
هر باره این دسته‌ای دیگر از دشمنان طبقه  
کارگر و محرومان تحت ستم بوده که حاصل این  
جانتانیها و قهرمانیها را در آورده و قدرت را  
به کف گرفته اند.

رقبا! از خود بیخبریم چرا چنین شده است؟  
آیا نیروی ما کم بوده است؟ آیا به اندازه  
کافی تلاش و از خود گذشتگی نداخه ایم؟ آیا  
اصولاً نقش و تاثیر تعیین کننده در کل حیات  
جامعه و این مبارزات نداخه ایم؟ بی شک چنین  
نیست. ما میلیونها نفر را در صفوف خود داریم.  
نیروی ما در مقایسه با نیروی سایر طبقات و

مخصوصا سرمایه داران ابتدا قابل مقایسه نیست  
ما اکثریت مطلق جامعه ایم. همیشه آنا نکه در  
صفوف مقدم جدگیننده آنا نکه بهترین  
جانتانیها و از خود گذشتگیها را نموده اند  
آنا نکه بهترین شهیدان و اسیران را داده اند  
ما کارگران بوده ایم. تمام جریهای حرکت  
جامعه سرمایه داری به نیروی بازوان ما  
میگرداند. تمام تولیدات این جامعه با دست  
ماست که صورت می گرفته فقط کافیت که یکروز  
دست از کنار بکشیم شانقش و تاثیر می  
که در حرکت و حیات جامعه سرمایه داری بازی  
میکنیم با اینها نه خود بیخبریم.

پس علت این هزاردی تاویخی چیست؟

علت آنست که نیروی عظیم و انقلابی ما

## زنده باد سوسیالیسم!



به یمن غمناک روپزیونستها به آن و خیانت و چاقوسی روپزیونستها در صفوف کارگران بوده است. اما روپزیونستها هم پس از دهها سال عوام - فربهی و فربهکاری، پس از دهها سال به به راهه کشاندن کارگران و جنبه کارگری، پس از سالها استثمار و سرکوب توده های کارگر و لگد کوب کردن، تحریف و تهاشه و توهمین بسنه آرمانها و سندن کمونیسم و سوسا لیسیم در کشورهای اروپا و گاه شوروی و چین و در شرایطی که عوارض و فشار کمربند ناغسی از بحران سرمایه داری توده های کارگر را پیسته جستجوی راه نجاتی از این جهنم کشانده است و بهی از هزمانی به بن بست رسیده و بی آب و رو و رسوا شده اند. اکنون جنبه کارگران دوباره مبرود تا به زیر پرچم طبقاتی خود، زیر پرچم کمونیسم و دنیای کار و بردگی را متحد کند و طبقه کارگران نه تنها بمشابه جزئی از ارتش جهانی کارگران و بلکه بمشابه یک گردان بهشت از در صفوف مقدم این ارتش مبارز و انقلابی قرار دارد.

رفقای کارگر!

تنها تشکیل حزب کمونیست میتواند موفقیت ما در این نبرد سرنوشت ساز را تضمین کننده تنها تشکیل حزب کمونیست کارگران میتواند نقله پایانی برای تراژدی تاریخی باعد تنها تشکیل ستاد مستقل طبقاتی کارگران و ستاد رهبری کننده همه ستمدیدگان و فقیرزدگان است که میتواند مبارزه علیه ستم و استثمار

که انرژی و توان لایزال اما پراکنده سازمان نیافته، ما، متحد و هماهنگ نبوده است. که این نیرو در حزب و سازمان طبقه خودمان متفکلی نبوده و برای تحقق اهداف فغواستها و آرمانهای روشن، مشخص و انقلابی طبقه مان به حرکت درنیامده است. که رهبری ما در دست انقلابی ترین، بهشروترین و آگاهترین نمایندگان و رهبران مان نبوده است.

با استفاده از همین نقطه ضعفها و کمبودها بوده است که سرمایه داران و جریانات وابسته به آنها و مضموم روپزیونستها این خطرناکترین نوکران بورژوازی که به لباس مارکسیسم درآمدنند توانسته اند که مبارزات ما را از سیر انقلابی و اصولی منحرف کنند و آنها در چها رجوب نظم و حاکمیت سرمایه به بنسند بکشند.

روپزیونستها با تحریف کردن برنامه انقلابی کارگران و سرمایه داران و با دعوت کارگران به سازش با حکومتها و سرمایه داری و با نفی ضرورت مبارزه انقلابی کارگران برای نابودی سرمایه داری تاکنون موفق شده اند که مبارزه کارگران را به انحراف کشانده و حتی طبقه کارگر را در خیلی از زمینهها از سنگرهای که در مبارزه علیه سرمایه و امپریالیسم به کف آورده بودند عقب برانند.

اگر تاکنون سرمایه گندیده و سرمایه محترس و امپریالیستی به حیات منفور خود ادامه میدهد و اگر تاکنون در چاه واقعی خود در زیاده دانی تاریخ قرار نگرفته است و عمدتاً

زنده باد بلشویسم!



فقر و جهل و اغتشا را انسان از انسان ه برای سلب مالکیت کردن از سلب مالکیت کنندگان برای به محکمه کشاندن محاکمه کنندگان بیولنا - رها ه برای سوسیا ایسم ه باید در زمان نرساری خوده در حزب ایفاتی خوده در حزب کمونیست ه متشکل و متحد شوید .

حزب کمونیست سلاح ما و رهبر ما اولین نبرد تاریخی و دوران ساز خواهد بود .

در این نبرد ما تمامی کارگران ه تمامی محرومان تحت ستم جهان را در کنار خود داریم . برای نبرد ما هیچ چیز جز زنجیرهای بندگی و بردگی خود را از دست نخواهیم داد ه ولی جهانی را بدست خواهیم آورد .

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر در مبارزه علیه حاکمیت سرمایه دار زنده باد حزب کمونیست کارگران ! به سرروز باد سوسیا ایسم ! غلام گساروز

سرمایه داری و در راه سوسیا ایسم و رها تسی قلمی بشیریت را رهبری کرده و آنرا با مبارزه بیولنا رها و توده های تحت ستم همه جهان بر علیه سرمایه امپریالیستی هماهنگ کنند .

رفقای کارگر !

کاخ سرمایه په نیروی ما کارگران بنا شده است . ستونهای نگه دارنده این کاخ خانه های ما هستند .

قدرت و ثروت سرمایه ه قدرت و ثروت محب عده ماست ه

هر چه ما بیشتر و غنیتر کار میکنیم ه سرمایه قدرت اجتماعی بیشتری می یابد . مالکیت سرمایه حاصل سلب مالکیت از ماست .

ما میتوانیم و باید که این کاخ را از پایه ویران کنیم . ما میتوانیم و باید زنجیرهای اسارت و بردگی را از دستان خود بسازیم . برای نابودی سرمایه داری و پایان دادن به

کمونیستها را به ما به مذا فعین حقیقت گوی کارگران وزحمتکشان با زنی شناسند و در مقیاس وسیع به ما نزدیک نمی غوند؟ تبلیغ پسر و سهو تمکین به عقب ماندگی یعنی توده ها ما را از کارگران وزحمتکشان دور میکنند و بیوفندمان را با آنهاست میکند . تنها راه نزدیک می به توده کارگر وزحمتکشان بهمان توضیح صریح و صبورانه منافع واقعی آنها به آنهاست . یک پیام و دو خوانی خود ما که قاطمانه خوا . تا آن بوم که کمونیستهای غیر کرد در مقابل نریای تمصبات ملی و خرافات مذهبی مردم غیر کرد در ۲۸ مرداد ۵۸ با بستند . با آمد خود در عین حال قاطمانه با تمصبات بسیار بیشتر مذهبی نریمان زحمتکشان کرستان ( که آنها هم اساسا در عقب مانده ترین بخشهای آن وجود دارد ) مقابل میکنند این تنها راه پیروزی ناست

بقیه از صفحه ۲۱  
درست بر خلاف ذهنیات و تمصبات عمومی و در صفت . توین شرایط پلیسی نه تنها تبلیغات اصولی خود را گسترش دادند بلکه عملا به کومه له نزدیک شدند و دفاع از جنبش مقاومت را به مبرمترین سال خود تبدیل کرده اند امروز حقا نیت خود را اثبات نکرده است ؟ آیا وحدت و استعکام امروز ما که هم انقلابی و زمینه های مساعدی که برای وحدت صفوف بیولنا رها در کرستان و هاراج کرستان بوجود آمده است بدون اتخاذ این مواضع اصولی بدون مقابله کمونیستی با نهنیت عقب مانده توده ها ه مقدور بود ؟ ویا لافرها آیا امروز که مردم زحمتکشان سراسر ایران نه تنها به حقا نیت جنبش مقاومت در کرستان پی برده اند بلکه در سطح ملیونتی چشم امید به این جنبش ویژه کومه له دوخته اند

## بیانیه اعلام موجودیت کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسی حزب کمونیست

پس از اعلام پیرنا محراب کمونیست در پیرا ۶۱۱ تالار عملی برای تشکیل حزب کمونیست در دستور کار کلیه نیروهای پیرنا محراب کمونیست قرار گرفت. اکنون در اقدامات و بهر روزهای ما در کسب انقلابی در راه تحقق ملزومات تشکیل حزب کمونیست، کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسی حزب کمونیست ایران رسماً اعلام موجودیت میکند. کمیته برگزارکننده از سوی کمیته مرکزی سازمان انقلابی و همفکران گرویدگان ایران (کومله) و کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست در سطح سرگزیتهای ایران تشکیلات ایجاد شده است. اعضای این کمیته عبارتند از: **رفقا: حسین علی محمدی، سیدکوی کمیته دکتر جعفر علیمر، جواد مکی و سعید زکریانی** از کمیته مرکزی کومله و **رفقا: منصور حکمت و همفکران (هاهار) بوخرو و علوی** از کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست.

کمیته برگزارکننده وظیفه دارد تا بر مبنای نقش عملی موجب کمیته مرکزیهای این نوسازمان و وظایف سیاسی و تکلیفاتی و فعالیتها و اقدامات لازم برای تشکیل کنگره مؤسسی را انجام دهد.

اقدامات و نتایج فعالیتهای کمیته برگزارکننده و همچنین اطلاعاتی که در دسترس آنهاست را از طریق راهبندی انقلاب ایران و نیروها تا سراسری کومله و اتحاد مبارزان کمونیست منتشر خواهد کرد. ما کلیه نیروهای برنامه حزب کمونیست و کارگران بهر و آگاه و فعالان کمونیست را به ارتباط فعال با کمیته برگزارکننده و مشارکت هر چه بیشتر و دگرتر برای تشکیل عملی حزب کمونیست ایران فرا میخوانیم.

رئیس هیات حزب کمونیست ایران

رئیس هیات سوسیالیسم

کمیته برگزارکننده کنگره مؤسسی حزب کمونیست ایران - ۱۳۱۲/۱/۱۵

# اطلاعیه کمیته برگزارکننده خطاب به سازمانهای سیاسی

رفقای کمیته سرگزی ...

## بامروزهای انقلابی

همانطور که بیاتمه اعلام موجودیت ما بیان میدارده نیروهای سرخسماه حزب کمونیست امر تکمیل عملی حزب کمونیست ایران را در دستور کار ما جل خودترا رناده اند و در آتیه نزدیک گذرگه موسس حزب کمونیست ایران منصفه خواهد شد.

از آنجا که تکمیل این حزب بر سر بنیاد جنبش کارگری و کمونیستی ایران و به این اعتبار بر موفقیت و آینده نما سازمانها من گشود را از این جنبش سهیم منفا نشده تا کمر مستقیم و تعیین کننده ای ناره لنداه و طیف خود میانه نم که این امیرا با اطلاع کلیه نیروهای امروزه چون که ترا ایران تحت نام کمونیسم فعالیت منی کننده و اوجنامه سازمان ما به برسانیم.

از نما تلقا میکنیم که نظرات خود در باره برنا مع حزب کمونیست و تکمیل حزب کمونیست ایران حول این برنا مه راه هر چند بطور لغزیه منبا اطلاع ما برنا نید. متن برنا مع حزب کمونیست و بیاتمه اعلام موجودیت " کمیته برگزارکننده گذرگه موسس حزب کمونیست ایران " به پیوست ارسال میگردد.

## بسا آرزوی به سروری

کمیته برگزارکننده گذرگه موسس حزب کمونیست ایران

محمدالمصطفی

اول اردیبهشت ماه ۱۳۲۲

رونیت این نامه برای گروهها و سازمانهای زیر ارسال شده است:

سازمان وحدت کمونیستی

جبهکهای فدائی خلق ایران

جبهکهای فدائی خلق ایران (اردیبهشتی بخش خلقهای ایران)

سازمان جبهکهای فدائی خلق ایران

راه کارگر

حزب رنجبران ایران

اتحادیه کمونیستهای ایران

گروه اتحاد برای آزادی کار

حزب کارگران ایران



## مجاهدین قانون کار را در چه بابی خواهند نوشت

قطنما مه کمیته مرکزی ما - اتحاد مبارزان کمونیست - در باره وظایف کمونیستها در مبارزه علیه قانون کار اسلامی منتشر شده است. برای من قطنما مه آمده است که:

«زیم جمهوری اسلامی با طرح قانون کار اسلامی مستقیماً تعرض همگنانی علیه طبقه کارگر را آغاز نموده و میخواهد فلاکت تحمیل شده به طبقه کارگر ایران را رسمیت قانونی بخشد و سطح معیشت کارگران را با زهم تنزل داده و شرایط استثمار و خشنابانه نیروی کار را برای سرمایه داری مین کند».

ما کمونیستها همواره اعلام کرده ایم که در مقابل با بحران اقتصادی کنونی دورا محل بیشتر وجود ندارد. ما راه حل کارگران که مستلزم وحدت طبقاتی آنان و خلع سرمایه داران و تمام اعوان و انصار آنها از قدرت سیاسی و اقتصادی است باز راه حل سرمایه داران که مستلزم پی زیم گیری تمام دستاوردهای اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در جهان قیام بهمین علاوه تحمیل شرایط بغایت سیمانده تر - سیمانده تر به نسبت دوره قبل از قیام و دوران عکوفایی و رونق سرمایه داری - به کارگران است. اگر کارگران اساساً به دلیل فقدان آگاهی طبقاتی و پراکندگیها و خویشاوندیها بفان به «جمهوری اسلامی» و نتوانستند راه حل خود را به پیش برنده در مقابل سرمایه داران پی منجم کردن موقوف خود میا اتکا به تمام ابزارهای سرکوب و تسخیر نموانند کارگران و تمام تبهیدستان را گام به گام عقب برانند و اکتسون

موقعیت را برای اینکه تمام این عقب نشینیها جنبه رسمی و قانونی و غیر قابل برگشت بقسود بگیرد مساعد یافته اند. قانون کار جدید میبایست عهدنامه شکست کارگران در این دوره از مبارزه طبقاتی باعدا اینکه آنها کارگران تن به این شکست خواهند داد بانه و اینکه وظایف کمونیستها و کارگران در مقابل با قانون کار اسلامی چیست و نکاتی است که قطنما مه کمیته مرکزی ما به آنها پرباخته است و ما برای اینجابه آن نمی پردازیم. بلکه میخواهیم توجه خواننده را به نکته دیگری جلب کنیم.

حقیقتاً اینکه سردستاران جمهوری اسلامی در جهت جنبه قانونی و حقوقی دادن به شرایط بردگی کارگران چهار هیچ مفکل «اهدولوونک» نغذندند. همه «علمای اعلام» و «فقهای عظام» و اسلام شناسان و متفق الرای بدان حکم دادند که قانون کار باید در «باب اجاره» نوشته شود. همگی آنان به استناد آیات آسانسی و آیات باهت مستنده و زندگی اقمه اظهار تأیید کردند که از نظر اسلام کارگر همچون عیبی با خبوانسی است که به اجاره داده میشود. کارگر با لبح خود را اجاره میدهد و کارگر نا بالغ توسط ولی اهن به اجاره داده میشود. تا موجب معنی سرمایه دار هر طور که دلخواه است از آن استفاده کند. چنین حکمی برای کارگران از منقطع نظر آموخته شده است:

اول اینکه تمام لفافه های تبلیغاتی و

طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود.

تمام عبادت پرنازیهای مربوط به شرایط زندگی کارگران ترجیحاً سرمایه داری را کنار میزنند و به خام ترین و بدوی ترین و در عین حال روشن ترین مملکتی به کارگران نشان میدهد که آنان از نظر سرمایه داران محدودانات مولد میباشند که برای کار تولید سود باید در دستشان با آن سرمایه دار قرار گیرند. آنان بردگان نیستند هستند که هر روز از نو به بردگی میروند و اگر بردگان دوران باستان این امتیاز را نداشتند که یکبار برای همیشه فروخته شوند و بزرگوار برای حفظ منافع خود ناگزیر از تا مین میبشت آنان بود که کارگران تنها آن هنگام به بردگی کشیده میشوند که منافع سرمایه داران اکتفا کند و هر گاه که بهره دلهی سرمایه داران نخواهد آنان

میبشت بر این زمینون این رژیم وجود دارد که قصد کرده است تا از ایدئولوژی این رژیم با ستاری کند و از جنای مذهباز دولت ونفسی حاکمیت اسلام بر سر نهفته بوده های کارگر و محروم ایران سنا نعت بعمل آرد. بنا بر این سوالاتی که اکنون بر سر آورفته های کارگر قرار میگردد اینست که این فقهایی هنوز بقدرت نرسیده قانون کار را ترچه ناسی خواهند نوشت و حقوق کارگران بر بهشت زمینی آنان و ترجمه سوری دستورالعمل اسلامی از چه قرار خواهد بود؟

محکوم به مرگ از گرسنگی انده  
 دوم اینکه یکبار دیگر نقش و کارکرد مذهب را بطور کلی و اسلام را بطور مختص تر جامعه سرمایه داری در جهت منافع سرمایه داران آشکارا ساخت. نه ناسیونالیسم، نه لیبرالیسم و نه او مانیم همهیك توان آنرا نداشتند که این چنین سریع و بی پرده به آزمندی سرمایه باضخ گویند و تنها اسلام که تمام انسان دوستی آن از حد رفت با بردگان فراتر نمیسزود نمیتوانست این چنین تمام ظرفیت ضد کارگری و ضد بیعری خود را در خدمت تقهیبی ها و ترسین گرایات سرمایه داری قرار بدهد

از آنجا که سازمان معاهدین از یکسو فارای ایدئولوژی اسلامی و مخالف سرعت جنای مذهباز دولت و خواستار حکومت مذهبی است و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی را تا قبل از ۳۰ فروردین رژیم شروع و قانونی میدانند و حتی امروز هم رئیس جمهور اسبق این رژیم زابه رسمیت میخواند هیچ سخنی از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیجان نمی آفرند. تنها خواهان آنست که جمهوری اسلامی فعلی را با حذف مضمونی و از نیک تقییر و اصلاحی به جمهوری اسلامی مطلوب عود تبدیل کند. ... بقایبر همه این دلایل ما محتاج چنین فکر کنیم که قانون کار جمهوری دستورالعمل اسلامی نیز همچنان بر بنیادی اصول فقه اسلامی تعیین خواهد شد و قریب چندان با قانون کار دست پخت فقهایی رژیم فعلی نخواهد داشت.

اما جمهوری اسلامی رفتنی است. این رژیم با بین نواز حد مدتها امروزین بیعری است و محکوم به فناست. جمهوری و ما مرگ خود هم قانون ارتجائی کار و هم تمام قوانین ارتجائی کنونی را به گور میسپارد.

رژیم جمهوری اسلامی محکوم به فناست و از بین میرود اما اکنون برای ایران بیعری سیاسی

تا آنجا که به اصول و احکام اسلام فقهایی مربوط معفوده آیات معظم و علمای اعلام جمهوری اسلامی و معنای واقعی و نتایج سریع فعلی این





احول و احکام را بر قانون کا خود افکار کرده اند  
 اکنون نوبت مجاهدین است تا برای کار گمسران  
 روشن کنند که قانون کار را آنچه یابی از فقه  
 اسلام انقلابی توحیدی علوی خود خواهند  
 نوشت؟

هیچ راهی به مالک خود نرسا ندو دیگری مورد  
 آزا دو مقتدر که بعضی وقتا لث فرمان نهد و خود هم  
 به راه مستقیم باید آنا این دو نفر مرد یکسان  
 هستند؟ (هرگز یکسان نیستند) مثلی کا نرو و سون  
 بدین تعال ما ند) \* سوره نحل آیه ۷۱ \*

اجازه بدهد بیینهم که فسران بعضوان  
 اساس ترین سندی که همه آقاها ن نرس حکوم  
 کردن یکدیگر بی آن استناد میکنند نرا این زمینه  
 چه رهنمودهایی برای نیا هدین نارد؟  
 \* آنا آنها با بد فضل و رحمت عسائی را  
 تقسیم کنند؟ نرسورتیکه ما خود معا و روزی  
 آنها را نر خبات دنیا تقسیم کرده ایم بعضی را  
 پر بعضی (به مال و جاه و نهوی) بی نرسوی  
 ظ دیم. تا بعضی از مردم بعضی دیگر استعدمت  
 کنند و رحمت عسائی از آنچه جمع میکنند بی نرسر  
 است \* سوره زهرف آیه ۲۲

تقریر مسلم آمنت که اسلام ققاهنی دقلمریم نای  
 این آیات و آیات متعدد دیگری که نرسوت عسائی  
 محدود و لغز نرسوتها می نرسکتن و مقتدر و تقهیم نرسر  
 جلوه میهنده نرسرا بی نرسر تعسیل نرسر نرسر  
 زندگی بعضی زمینعی و زندگی آسوده بیست را  
 وعده میکنند و انکاسی از این فصل \* ققاهنی  
 کسار اسلام را نرسون کرده است و از نظر  
 مکتبی هیچ امراء و انقادی نمیتواند بر آن  
 وارد یاند \*

الیه مجاهدین نمیتوانند و کاملاً معتارند  
 که اسلام ققاهنی عسائی را اسلام دور عین، حد  
 توحیدی و غیر واقعی بنانند و نر ما نرسر آن  
 \* اسلام عسوی توحیدی \* خود را زاسته نرسوان  
 قسناد کنند. نرا این میان اینکه به کسی  
 نسا بنده اسلام واقعی است یا الهی است که  
 یا بد میان ققاهنی مکتبی یا نرسا می از یک سو  
 فقهای مصمم فیضه ای از سوی دیگر حل و فصل نرسر  
 برولتا ریا و کمونستها از این نقطه نظر هیچ  
 علاقه تما یابی به حل مسالک مکتبی اسلام  
 نرسر نرسر \* \* \*

عسائی زده (بعضوت): آنا بنده مملوکی که  
 نرا بر هیچ چیز (حقن بر نفس خود) نیست هماردی  
 آزا ده به روزی نرسکو (و مال حلال نرسار) حلسا  
 کریمه که نرسن و انکار هر چه بهر اولهت انسانی  
 میکنند یکنانند؟ هرگز یکسان نیستند (مثلی نرسر  
 و عدا ویت نرسر و عدا نرسر بدین تعسالی مساند)  
 خایر مخصوص عدا است و لکن اکثر مردم آگساره  
 نیستند \* سوره نحل آیه ۷۵

هو عسائی زده (بعضوت): دو نرسر نرسر یکی  
 بنده ای یا هد گنگ و از هر جهت عاجز بر نرسولای و از

\* نرسر از ترجمه مهدی الیه نرسر

- \* \* \* رجوع کنید بصورهای نام آیه ۵۲۷ سوره اسری آیه ۵۲۹ سوره مرع آیه ۵۳۱ سوره نسا آیات ۲۲
- \* \* \* ۵۳۷ سوره انفال آیه ۵۷ سوره ص آیه ۵۳۹ سوره مود آیه ۵۱۸ سوره آل عمران آیات ۱۸۵
- و ۵۱۴ و ...
- \* \* \* نرسر نرسر



اصلی که میخواهیم از این قسمت بحث خودتقیجه بگیریم اینست که ایدئولوژی اسلامی مجاهدین - با هر تعبیر و تفسیری که از اسلام هاشته باشند - مخالفت آنان با جدایی مذهب از دولت و بی‌بیزه طرفداری آنان از حکومت اسلامی - هر چند آنرا با ملت دموکراتیک مزین کرده باشند به آنان این اجازه را نمیدهد که نریز خود به مسائل مربوط به زندگی کارگران و زمینکفان و از جمله نردوین قانون کار جمهوری اسلامی آتی تا موز نفسی و انکار ابتدایی ترین حقوق توده ها به بهمی روند. اسلام همان ناده است که ناری این ظرفیت و قابلیت هست و مجاهدین هر قدر هم که از اسلام فقهاتی غمیونی فاضله بگیرند و مزان نواز که قانون کار جمهوری اسلامی را ضد اسلامی بنامند بهیرونه که ما بلند آیات قرآن را تفسیر و تفسیر کنند و نر هر با بی که میخواهند قانون کار جمهوری اسلامی غوز را بنویسند هزار آنجا که نمیتوانند اسلام را از دولت جدا کنند و تا آنجا که طرفدار حکومت اسلامی وند وین قوانین اسلامی معده از بهمی دست خود را نر توجیل بند اسلام برای ننی و نرض بهمیدن هر آنچه نغان نای از مدنیت و انسانیت و آزادی و عدالت با خود یارده باز گذاشته اند.

مربحتره عواهدی بهتربناسی و کمترب ایدئولوژیک ه نیز نر دست داریم. از نظریه برداریم ه موضع گیریها و عملکردهای کتا مثلا ضد کارگری رئیس جمهور اسبق جمهوری اسلامی و رئیس جمهور فعلی جمهوری اسلامی آتی که بزگنیم (گرچه حق نداریم تا زمانیکه جناب بنی صدر برای کارگران و زمینکفان توضیح ناده است که شعار معروف "سوزا ه پورا مالیده" و "ارحیت نان و پیوس مستغنین برچلو کیاب مستکبزم" ایمان از "اسلام فقهاتی" ناعنی مفهده است و یا از "اسلام علوی" چنبن گذشته از خود نغان بدهم) اما بهرحال از این نکته که بگیریم بر نامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی که نران خلسوی کارگران و ندادیمترب بگیریم بی حقوقی کارگران به روغنترین وجه بیان شده است نر مقابل مانت.

این بر نامه چنین اعلام میکند :

حقوق کارگران

الف - لغو کلیه مقررات ضد کارگری و نردوین قانون جدید کار با نر خود کارگران ب - سهم کردن کارگران نرا یاره کلیه مننولها و یا نکهای مختلف کارگری و حتی - السقود سپردن این مراکز به خود آنها ج - برسمیت نغان حق اعتماد و هرگونه اعتراض منالنت آموز دیگر با اعلام قبلی د - لغو تمام کسور دولتی از قبیل

برای بهمی یعنی اینکه حکومت اسلامی مجاهدین تاچه حد از این ظرفیت اسلام استفاده خواهد کرد و تا کجا نردنی حقوق کارگران به بهمی خواهد رفت و ما خواهد و نلابلی روغنتر و

خواننده ملائمت خود میتواند با مراجعه به قرآن ه نهج البلاغه نهج الفصاحه و دیگر آثار واعبا و احادیث معتبر اسلامی بسادگی تفهیم نهد که اسلام علوی مجاهدین و یا اسلام فقهاتی غمیونی کتا میله بر اصول و مبانی اسلام منکی است. ما نراین باره بیوزه مراجعه ندر فاضلان جناب بنی صدر را نومنه میکنم!



جهان در کشورهای غربی به قاری از آن بسر-  
عزیزانند و پیوسته حقوقی که مجاهدین وعده  
تعلق آنرا بر آنها میدهد اکثریت کارگران  
جهان و منجمله کارگران ایران در گذشته  
کسب کرده اند.

این برنامه و آنجا که به مراعات و روشنی  
مطالبه ای را عنوان کرده است و چیزی بهتر از  
آنها حتی قانون کار آنها مبرری بر نسبت آنها عنه  
بود به کارگران وعده نمی دهد و آنجا که ظاهراً  
از این حد فراتر رفته است و عملاً چیزی بجز امید  
و شرطهایی که باید حقوق کارگران را محدود و  
مخروط کند فریبندارده.

مطالعه و بررسی دقیق تر مواد این برنامه  
به ما نشان میدهد که:

اولاً زیند الف برنامه شورای ملی  
مقاومت اعلام کرده است که قانون کار جمهوری  
اسلامی آتی با نظر کارگران تدوین خواهد شد و  
اما بهیچ وجه روشن نکرده است که کارگران  
چگونه و به چه عهده ای در تدوین قانون کسار  
اعمال نظر خواهند کرد. آیا انجمنهای کارگری  
اسلامی مجاهدین و کارگران مسوولان مسلمان در

مطالبات و بیمه و امثالهم از دستور کارگران  
و تا همین قدری هزینه های ضروری نظیر  
بیمه و باز نشتگی

ه - لغو کلیه مطالبات پهنین از کارگران  
معروف ترکلیه زمینها

و - تلاش برای تامین مسکن و حمل و نقل  
بهداقت برای همه کارگران و تهیه شهر  
عوار گاه و کودکستان برای فرزندان آنها  
و تقدم علی تحصیل سبانی ترمانسگا همها و  
مدارس عالی

ز - افزای تاعدی علی انهم کارگران از  
سود کارها نجات به نسبت افزای سود  
کلی

ح - تامین آموزش حرفه ای و فنی برای  
کارگران شهر منحص

ط - تلاش برای تکمیل حد اقل سطح زندگی  
تمام کارگران به نسبت افزای هزینه ها.

مقدمتاً باید گوئیم که مجموع حقوق کمشورای  
ملی مقاومت جمهوری دموکراتیک اسلامی به  
کارگران وعده میدهد بسیار ناچیزتر و محدودتر  
از حقوقی است که هم امروز اکثریت کارگران

\* از برای نظریکی از این کارگران موحد مسلمان ترنفریه مجاهد مبتوان در یافت که کارگران  
آموزش یافته در مکتب علوی مجاهدینی تا چه اندازه از منافع و حقوق واقعی طبقاتی خود آگاهی  
دارند این کارگر مجاهد تر مباحثه ای که در باره " مسائل کارگری ایران و بهمن نویسن  
قانون کار رژیم خمینی " در شماره ۱۲۲ نشریه مجاهد با وی بعمل آمده است چنین میگوید:  
" آنان (کارگران) آمدن است از مجاهدین آمیخته اند که در بعضی حیات کارگره کسار  
یعنی حیات انسان وستی که برای تجا و زیه این حریم ترا خود باید قطع گردد و  
بی تردید دست کسانیکه این قانون را برای کارگران میهن مانتیه کرده اند قطع  
خواهد شد"

البته کارگران برای آموختن چنین احکامی در باره حرمت کار و نفی آن تر حواسات انسانه  
بفیه تر مطالعه بحد



این باره نظر خواهند داد؟ آیا کارگران صرفاً طرف معورت قرار خواهند گرفت؟ آیا سیمینارهایی از نوع سیمینارهای جمهوری اسلامی برای بررسی قانون کار تشکیل می‌شود؟ و مهمتر آنکه قانونی که باین ترتیب، و با هر چه بود، از ابراز نظر کارگران و تدوین شده است، چگونه و بوسیله کدام مرجع به تصویب می‌رسد؟ و کارگران چه نقشی در تصویب قانون دارند؟ تدوین قانون کار با نظر کارگران عبارت از کلی و مبهم است که هر کسی به هر نحوی که بخواهد میتواند آنرا تعبیر و تفسیر کند. و از آنجا که نه در این بعضی و نه در هیچ یک از قسمتهای دیگر بر نامه شورای ملی ملا و ملت هیچ عملی از غور اعمالی در مورد کارگری و کلاً بر رسمیت شناختن حقوق قانونگذاری بوسیله شوراهای مردمی در میان نیست و این سوال همچنان بین جواب میماند که با اکثره جمهوری اسلامی که از آنجا که به چه شوراهای معهود نظر کارگران را در تدوین و پیوسته تصویب قانون کار در حالت دهد.

از آنجا که قصد مجاهدین به اسلام استین را بسیار بیشتر نمیتوان با برداشت کارگران

از مومکراسی و اعمال نظریه‌های مردمی در امر خاکمیت و ناگزیریم به این نتیجه برسیم که این وعده‌ها را مومکراسی که ما میبیم و کلی شورای ملی ملا و ملت مبنی بر عدالت قانون کارگران در تدوین قانون کاره در نهایت هیچ تضمینی بجز آیه " امر هم‌عصری بی‌نوم " نخواهد داشت که آنهم به خصوص باید طولانی که مسلمانان میکنند در تفسیر و تعبیر آیات قرآنی دارند عملاً مسئله‌ای را برای کارگران حل نخواهد کرد.

اما اگر نیرو و سازمانی بخواهد نه تنها در لفظ بلکه واقعا و عملاً مومکراسی را انقلابی با عده در بر نامه خود صراحتاً و بیروغنی حقوق قانونگذاری شوراهای مومکراسی که مردم و از جمله تصویب (و نه تنها تدوین) قانون کار بوسیله این شوراهای بر رسمیت می‌بخشد و اعمال نظر کارگران در تدوین و تصویب قوانین کارگری و نظارت کارگران بر اجرا و تحقق عملی این قوانین را چه از طریق این شوراهای چه از طریق نمایندگان منتخب کارگران و هیات‌های پارسی کارگری تر هر کارخانه نامون و تضمین میکند.

احتمالی بجا نمایی های مجاهدین نداشته اند. رژیم جمهوری اسلامی فعلی ایران و حتی رژیم آریا مهری قبلی نیز هیچگاه از یادآوری و تکرار تقصیر و حرمت کار و اهمیت حیاتی آن به کارگران فریخ نورزیده است و هیچگاه به خصوص در قطع دست کسانیکه به این حریم تجاوز کردند و ترمیمی پیچود را نداشته است. البته کارگر مجاهد ما امروز و با نهایت حسن نیت خواهناظر قطع دست رژیم جمهوری اسلامی از حریم کار است و اما آنها میتوانند هیچ تضمینی به ما بدهند که در جمهوری اسلامی آتی مجاهدین و بر مبنای قانون کاری که در این جمهوری برای پاسداری از تقصیر و حرمت کار نوشته می‌شود دست کارگرانی که با اعتماد و اعتراض خود به این حریم تقصیر تجاوز میکنند قطع نخواهند؟

\* برنا محراب کهنویت در بند ۱ بعد حداقل و بعدهای ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ مطالبات کارگری و این حقوق را بیروغنی تصدیق و تشریح کرده است.



تا نیا : برنامه خودی ملی مقاومت فرمود  
 اساسی ترین و غیرمترین مسائل کارگران حکومت  
 میکند. نه تربیت حقوق کارگران و نه هیچ  
 کجای دیگر برنامه از موضع خودی ملی مقاومت  
 و سازمان مجاهدین ترغیب مسائل که مستقیماً به  
 ابتدائی ترین حقوق ملتونها کارگرها مربوط  
 معوقه گیری نیست. برنامه خودی ملی  
 مقاومت نمی گوید که ساعت ۴۰ ساعت کار هفته  
 را برسمیت میبندد یا غیره نمی گوید که حداقل  
 دستزد رسمی چگونه تعیین خواهد شد نمی گوید  
 که حقوق زنان کارگر جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی چگونه خواهد بود) و مثلاً آیا بهیست  
 جمهوری اسلامی آتی هم از نوع همین بهیستی  
 خواهد بود که جمهوری اسلامی فعلی نوزدهای  
 زنان و بیخصوص زنان کارگر قرار داده است و پس  
 خودی ملی ویا لفره فرمود ساله اخراج کارگران  
 مساله بیکاری و شب کاری و اضافه کاری و  
 تعطیلات کارگری و خلاصه ابتدائی ترین حقوقی  
 که طبقه کارگر ایران دهها سال است برای  
 تحلی آن مبارزه میکند و هم اکنون از جانب  
 جمهوری اسلامی تمامی آن نطفه عده وزیرها  
 گذاشته شده است و هیچ نمی گوید و نه تمام این  
 موارد کاملاً سکوت میکند.

اینکه در آینده قانون کار جمهوری دموکراتیک اسلامی  
 بنظر کارگران تدوین خواهد شد و یا حتی برای این  
 سوال معص ما نیست. این حرفها برای  
 طفره رفتن از جواب صریح و روشن با این مساله و  
 احاله آن به توان واقعی طبقات و توازن قوای  
 نیروهای سیاسی بورژوازی و پروتکتاریات فرودای  
 بقدرت رسیدن جمهوری دموکراتیک اسلامی است.  
 سازمان مجاهدین باید روشن کند که هم اکنون  
 در کدام طرف ایستاده است و بر چه مبنای  
 اساسی ترین و مهمترین مسائل کارگری و جانب  
 کدام طبقه را خواهد گرفته کارگران  
 سرمایه داران ؟

اما برای کارگرانی که از چهار سال گذشته  
 ترین تعاص طبقاتی با بورژوازی ایران و پس  
 اندازه کافی ترس آموخته اند پاسخ این سوال  
 از بعضی روغن است.  
 آن نیروی سیاسی که قبل از بقدرت رسیدن و  
 نرحا لیکه هنوز ترا بوزیسون است و ترسناک  
 ابتدائی ترین و مسلم ترین خواستها و معسوی  
 کارگران سکوت میکند فرودای بدست گرفتن قدرت  
 جزبه نفع سرمایه داران سخن نخواهد گفت و  
 عمل نخواهد کرد.

دالفا : آنجا که برنامه خودی ملی مقاومت  
 به طرح انبانی "حقوق" کارگران موهبرنازده  
 ماهیت بورژوا - لیبرالی خود را بهتر نشان  
 میکند. برنامه وعده میدهد که هزینه های  
 نظیر بیمه و یا زندگی را تحت تا همین کسده  
 اداره مراکز ملتونها ویا نکهای مختلف کارگری  
 (۹) راحتی المقتدره کارگران بسیار  
 برای تا همین ممکن و حمل و نقل میباشد و...  
 کارگران و تشبیهت حدا لی طرح زندگی به نیست  
 افزایش هزینهها تلاش کنند و غیره. اما معلوم  
 نیست که اگر این تلاشها نتیجه نرسیده اگر

بعضی مطالبات کارگری برنامسه حزب  
 کمونیست و کسه مینا " قانون کار جمهوری  
 دموکراتیک انقلابی" را تکمیل میدهد راه حل  
 حداقل کمونیستها برای کلبه مسائل فوق را به  
 روغن طرح و اعلام کرده است و کارگران ایران  
 هم اکنون قانون کار انقلابی و طبقاتی خود را  
 دست بازده اما حق دارند و باید بدانند که در  
 قانون کار اسلامی غیرفناهی مجاهدینی کیا میک  
 از این حقوق سکوت گذارده و متوجه حده  
 رسمیت عفا عت خواهد شد.



اجرای این تصمیمات مقرر نبوده که هزینه ها توسط تا مدتی نقد و... تکلیف کارگران چه میشود؟

شما امروزه هیچ سرمایه ناری هیچ نیروی سیاسی بورژوازی را نمیخواهید باینکه مدعی چنین تالیلهای تفریحی کارگروستانهای نیاخذ از فرعیان حال همواره دلائل محکم و متکی به آمار و ارقامی مستند - از آن نوع که بدلیل بیخبر همیسه در آستین نازند - برای توضیح مقرر نبسودن تحلیلهای تفریحوا مانده خود در دست نفاخته باعد!

بورژوا - لیبرالهای تازه بدوران رسیده ماه با همان زبان کهنه و دیرآغای کلیه لیبرالهای از حسی و طبعی کارگران صحبت می کنند به زبان چند پهلوی که برای همان با و کردن آنها هیچ نگفتن ابداع عده است. اما آنها با بسند بگوئیم که آخرین بند در حق کارگران عورای ملی مقاومت به بار آئی نوظنه غنوده است که حتی در فرهنگ دیپلماتی لیبرالی کاملاً بدیع و نوظهور است. بند "ظ" برنامسه مجاهدین و عورای ملی را موظف نمیکند که برای تثبیت حداقل سطح زندگی تمام کارگران نسبت افزای هزینه ها "تلاش کنند".

گذشته از قضیه خاص تثبیت دستمزد به نسبت افزای هزینه ها که محل افزای آنها با پند از اقتصاددان مکملی ای نظیر جناب بنی صدر انتظار ناغت و این بند بدون هیچ تعبیر و تفسیری و معنایی جز این ندارد که تلاش معنیین به این برنامه ناگزیر در جهت مسانعت از ارتقای حداقل سطح زندگی کارگران خواهد بوده چرا که تذیل سطح معیشت از میزان حداقل آن به بوضوح امری بچ و غیرممکن است هراس بورژوا - لیبرالهای مکملی ما از برضمت

دفاعتین \* افزای دستمزدها به نسبت افزای پس هزینه ها و باعث عده است که مضمون این بند از برنامه کارگری آنها و ترواقع به اطمینان خاطر به سرمایه داران مبنی بر ترک سوب مبارزات طبقه کارگر برای بهبود و ارتقای سطح زندگی خود تجدیل خود

البته ما تا یک نیتیم چنین فکر کنیم که سجا هدین واقعا می خواسته اند چنین مضمونی را بیان کنند. اما نکته اینست که کلی باقی و بزیمان گویی لیبرالی و "تلاش" بر فرمول بندی مواد برنامه به نحوی که هم حقوقی به کارگران وعده داده مضمون هم نبوده هم کارگران دلخور شوند و هم بسوز و آزی برم نکننده کارزایه آنها رساننده است که بندی از بنف "حقوق کارگران" برنامه ضما هدین فعلتا بندی تذیل از حقوق سرمایه داران "آب" تربیا بدو تذیل معنا و مفهوم واقعی مستفید کل برنامه را برهم میزداند!

رابعا: آخرین و مهمترین نکته و موضوع عورای ملی مقاومت در مورد حق اعتصاب کارگران است. این ساله از آنرو اهمیت تمهید کننده ای نارد که آنها تضمین تأمین واقعی خواسته ها و حقوق کارگران نیروی خود طبقه کارگر و اعتصابات و مبارزات کارگری در برابر تلاش همهگی ووقفه ناپذیر طبقه سرمایه دار در جهت تسلیم و نفی هر چه به حق این حقوق است. قانون کاره مرا ندازه هم که به نفع کارگران با عده تربیا بهت مواد و احکامی است که بزرگ است نوظنه عده است و و این نهاد بهت ساده لوجسی است اگر تصور کنیم که وزارت کار و رفعا و پلهیس نظام سرمایه داری - حتی از نوع اسلامی فلسوی آن - بقودی خود نویسی آنکه لغا را اعتراضات و مبارزات کارگری را برگرداند خود حس کنند



مدافع حقوق قانونی کارگران خواهند بود.

از اینرو هر برنامهای که حق اعتصاب و اعتراض کارگران را محدود و مشروط کند هر چند هم که در سایر زمینهها با مع ترین و پیشرفته ترین حقوق را به کارگران وعده بدهد برواقع و عملا هیچ حقی را برای کارگران برسمیت نشناختهاست و برنامهم غورای ملی مقابله ترا این زمینه حق مطلب را ادا کرده است. بند "ج" برنامه ه حق اعتصاب و هرگونه اعتراض کارگران را در صورتیکه ولا بسا لمت آمهیز باشد و تا نیا یا اعلام قبلی صورت بگیرد برسمیت می شناسد! یعنی برواقع به کارگران اعلام میکنند که: چنانچه در جمهوری اسلامی آتی بسه "تلاش های" تریبی " ما رضایت ندادید و اراده کردید که برای احقاقی حقوق خود بیست خیزیده موظفید که قبلا به پلیس دموکراتیک اسلامی عده و پاسداران اسلام علوی ما خبر بدهید تا در صورتیکه اعتراض و اعتصاب شما را تسا لمت آمهیز تعیین ندادیم و بتوانیم قانونا و با خیال فارغ سرکوبتان کنیم!

الحق که وقیحانه ترا این نمیتوان حقی را به منظور نقض صریح و قانونی آن برسمیت شناخت!



ما به سازمان مجاهدین با بتا اینکه توانسته است بعد از ۱۲ سال پیگیری منافع مستضعفین چنین حقوق بدیمی را به آنان اعطا نماید و از با بتا اینکه سرانجام جامعه بی طبقه توحیدیه معنای زمینینی خود را در شکل یک جمهوری سما به داری لبرال با زیافته است خبر بیک می گوئیم . در عین حال با این بورژوا - لبرالها مکتبی با د آوری میکنیم که حقوق کارگران انظاف و صدقه مستکبرین به مستضعفین نیست که شمس لطف میکنند و تلاش برای نامن تریبی و حتی - البتدور بعضی از حقوقی را که کارگران ایران

در گذشته با عه اند و با آنان وعده میدهند و بورژوا - لبرالهای تازه بطوران رسیده ما که دیروز بر ما یکسهم مقدمه میخواستند امروز بقا پر مصالح طبقه ای که کربندست آن بسته اند . فراموش کرده اند که حقوقی کارگران بعضی از ترمه کار رو تولید خودا نا نیست که سرمایه داران معاوما از کارگران میزدوده و حتی از این اصل ابتدایی منسور حقوق بخر نه دست خسته اند که بر غور داری از حداقل معیشت و مسکن و بهداشت حق ابتدایی و طبیعی هرا انسانی است که میخواهد زنده بماند و زندگی انسانی داشته باشد . اما مجاهدین هر چه را از گذشته ها فراموش کرده و بنور افکنده با عهده مسلما یک نکته را از یاد برده اند : رعده و بقای نظام سرمایه داری و جز با محدود کردن مستمر و د افزون ابتدایی ترین حقوق بردگان سرمایه و امکان پذیر نیست . و البته نه تنها مجاهدین بلکه هر نیرویی که به آردوی سرمایه بپیوسته با عده نمی تواند بر تنهین برنامهم خود و بویژه بعضی " حقوق کارگران " آن و این اصل حیاتی را مد نظر قرار نهد.

بعضی " حقوق کارگران " برنامهم غورای ملی مقاومت ما نند کلیت این برنامه و خطاب بسه مستضعفین و محرومان اما برای سرمایه داران نوشته شده است و همانند تمامی موضوعات گیریها و اهداف و عمارها و خط کردهای سازمان سازمان مجاهدین و سایر گروههای لبرال و هفتی جز این ندارد که به بورژوازی ایران اطمینان خاطر دهد که :

جمهوری دموکراتیک اسلامی و جمهوری سرمایه و پاسدار نظام استثمار و بیهم سرمایه در ایران خواهد بود.

محمد تقوایی (پاچار)  
ف. پرتو



## نگاتی دربارهٔ : وظایف تبلیغی کمونیستها در قبال جنبش انقلابی خلق کرد

از ۲۸ مرداد عمده تاکنون تریب ۱ سال میگذرد و علیرغم تبلیغات نامعایسه و تکراری جمهوری اسلامی مبنی بر قلع و قمع «با اصطلاح «ضد انقلاب» ترکستان را به جنگ انقلابی ترکستان بر علیه نیروهای سرکوبگر و بنا به تکرار جمهوری اسلامی با تمام قوا ادامه دارد. اگر تر ۲۸ مرداد ۵۸ توجیهات سیاسی و وسیع در میان توده های مردم سلامت اندیشی و سازشکاری سازمانهای خرده بسوز و اساسی نظیر مجاهدین خلق و غیره قومی های دلتنگی های سیاسی نظیر حزب توده و نیز سرکوب تریبها ت آزاد در ایران امکان میدهد تا چند میانی تبلیغات هو و بیخبرستی و ذهنی رژیم موثر افتد هر چنگتگان ایران بودند که لا اقل در خطوط کلیدی به خلعت حق طلبانه مبارزه مسلحانه خلق کرد بر علیه جمهوری اسلامی می بردند و تبلیغات حکومت بهی از بهی بر عکس خود و به عاملی برای رسوایی هر چه بیشتر این نوکران و میاگران تازه به دوران رسیده سرعسا به و امپریالیسم در ایران بدل شد. آخر چه کسی است که عریضه های یکسال قبل حکومت مبنی بر تار و مار شدن نیروهای جنبش مقاومت و اخبار «موتی» دولتی مبنی بر «تراز و هیران به مرزها» را بطراطر آورد و امروز از «هیر» به روز بهای جدید» حضرات در چند کلمه - متری بهوگان و مصلحا با به به قهقهه تبلیغند؟ چه کسی است که اخبار «هی تریبی مبنی بر قتل عامهای رژیم در روستاهای کردستان را به نمود و تا چند وقتخانه این جنایات را از جانب خود رژیم عاهد باعد و با تمام

وجود خواستار رهدروزی قطعی و قاطع خلق کرد و بر عهد مصلحت بساط جمهوری اسلامی نگراند؟ سرزمین ایران در این چند سال جمهوری اسلامی را به سایر خوب عنایتها اند و تبلیغات کمونیستهای ایران نیز همگرم موارد استثنائی و تریبها بر بی اطلاع تریبها را با همه لزومی ندارد که بر عکس کردن این وجه تبلیغات حکومت مکت کند. رژیم مصلحت تبلیغی توجه و قلم بهت کمونیستها با به مصلحتا به توضیح مسائل سیاسی محوری و دورنمای واقعی این جنبش و عتسا نندن کومه له به مصلحتا به تریبها و بر ولتری و بهیختا از بر جنبش مقاومت معلوم میشود. در این شماره به چند نکته اساسی که بهی تبلیغات ما ملحوظ عود میگردانند و میباید بهی بتوانیم در عتسا ره های بعد و جبهه دیگر مبارزه انقلابی زنده ای را که امروز ترکستان جریان یافته حتی المقدور از زبان رهبران و قلم این خود این جنبش برای کارگران بهخروا ایران بهنگا نم.

۱) مسائل محوری جنبش انقلابی ترکستان کدامند؟  
«ملت کرد ملتی تحت ستم است که در اثر تجدید تقسیم جهان بین دول امپریالیستی بددینال جنگ جهانی اول بین چهار کشور منطقه تجزیه شده و حق تشکیل دولت ملی از آن سلب گشته است. وجود ستم ملی همراه با وحشیانه ترین عیوه های سرکوب عا ملی برای عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی این ملت بوده است.»

## پیروزی باد جنبش انقلابی خلق کرد





ملت کرد در کردستان ایران بارها علیه این  
ستمگری ملی و بجا طر کسب حق تعیین سرنوشت به  
مبارزه برخاسته است. این مبارزات که مستقیماً  
برضد حکومت دیکتاتور مرکزی ایران متوجه  
بوده در گذشته توسط روسای عشایره شیخ ها و  
فتوودا لها و در همعای اغیر توسط نهروهای  
بورژوازی رهبری میشده است. این نیروها در  
را بله با رهبری مبارزات ملی نا به گبر و بعضا  
خبا ننگار بوده و در کردستان نیز منافع زحمتکشان  
را با یمال کرده و آنان را مورستم قرار میدادند.  
اما اکنون با آمدن طبقه کارگر به عرصه مبارزه  
طبقاتی، دوره تاریخی رهبری طبقات استثماری  
بر جنبش ملی کردستان جای خود را به دوره ای  
که در آن جنبش ملی - دمکراتیک کردستان میتواند  
و باید به رهبری طبقه کارگر به سرانجام برسد.  
(نقل از برنامه کومه له برای خودمختاری کردستان)

بند فوق از برنامه کومه له برای خودمختاری  
کردستان به بدون نکته اساسی اشاره دارد. اول آنکه  
جنبش ملی کردستان جنبش حق طلبانه و عادلانه  
است که خارج از اراده این با آن خصمت و حزب و  
سازمان از با بهای عینی اجتماعی خاص خود  
برخورد راست و لذا ما دام که این با بهای عینی  
پایر جاستند به اراده هیچ دولت ورژیم ستادی از  
میان نمیرود. این جنبش جنبش بر سر احقاق حقوق  
ابتدایی با یمال شده یک ملت است. مبارزه مسلحانه  
در کردستان شکل قهرآمیز مبارزه برای کسب حقوقی  
است که دولتها ی مرکزی در ایران یکی به یکی دیگری  
زیر پا گذاخته و سرکوب کرده اند. ما دام که ملت کرد  
وجود دارد و مستم ملی با یمال داده نشده است  
مبارزه دمکراتیک برای کسب حق تعیین سرنوشت  
در اشکال مختلف ادامه خواهد داشت.

دوم آنکه خصمه دوره نوین جنبش انقلابی خلق

کرد قرار گرفتن کارگران و دهقانان کردستان  
در اول مبارزه برای حق تعیین سرنوشت است و  
این مهمترین تحول در تاریخ مبارزات ملی در  
کردستان است. تحولی که از یکسودور نمای پمروزی  
جنبش انقلابی خلق کرد و حل خطی ضاله ملی را  
بسیار مساعد میکند و از سوی دیگر انقلابی کردستان  
را مستقیماً و عمیقاً با جنبش انقلابی طبقه کارگر ساز  
ایران پیوند میدهد. حضور پرولتاریا به عنوان  
نیروی محرکه اصلی و رهبر جنبش ملی در کردستان  
امکان میدهد تا دامنه این جنبش از محدوده ایجاد  
تغییراتی در مناسبات سیاسی - اداری مورد  
کردستان با حکومت مرکزی فراتر رود و با ایجاد  
تحولاتی اساسی در مناسبات اقتصادی در کردستان  
بمنفع کارگران و زحمتکشان و نیز در تقاسم قسما  
میان پرولتاریا و بورژوازی در کل کشور در چشم پ  
اندا ز این جنبش قرار گیرد.

ارتباط تنگاتنگ جنبش انقلابی در کردستان  
با انقلاب سراسری کارگران و زحمتکشان ایران نیز  
چهار سال اخیرها کثرت کاملاً بشیوت رسیده است.  
دوره نوین جنبش انقلابی در کردستان خود در طبق  
انقلاب سراسری ایران شکل گرفت و سپس خودبستگی  
از اساسیترین جبهه های تداوم انقلاب بسدل هستند.  
جنبش انقلابی خلق کرد در طی سالهای پن از فهم  
با رها تلاشهای شد دمکراتیک و ضدکمری جمهوری  
اسلامی را برای نفی کامل ستا وردهای دمکراتیک  
فها مبهمن و سرکوب آزادی دیرسرا بران غنشی  
کرده است و درنده خوئی جمهوری اسلامی در کردستان  
بها نگر درک این واقعیت از جانب رهبران جمهوری  
اسلامی و کارغناسان ریز و نرسخت منافع بورژوازی  
و امیرها لیسم در ایران است.

کارگران ایران مدافعین به گبر جنبش  
انقلابی در کردستانند. طبقه کارگر ایران هیچ  
نفعی در ستمگری ملی ندارد و مستقل از سرکوب



فهردهای سیاسی در کرستان بدون قید و شرط از حق ملت کرد در تمهین سرزودت خویش دفاع میکنند. دفاع بدون قید و شرط از حق تمهین سرزودت سیاسی کرستان به آزا آزاد ملت کرد ندارد. از نقطه نظر طبقه کارگر و کمونیستهای ایران هرگونه دخالت نظامی و بیوروکراتیک دولت مرکزی برمانعت از اعمال اراده آزاد ملت کرد در امر تمهین شکل حکومتی خویش محکوم و مردود است و باید قاطعانه به بسا آن مقابل نمود. دفاع بدون قید و شرط از حق تمهین سرزودت یعنی محدود نکردن آزادی ملت کرد در تمهین شکل حاکمیت در کرستان و این بی تردید حق جدایی و تشکیل یک دولت مستقل را ضرورتیکه ملت کرد چنان اراده کند هرگز نمیگردد. ما باید توده های وسیع کارگر و زحمتکش را با ضرورت دفاع بدون قید و شرط از حق تمهین سرزودت آموزش دهیم. ما باید با همه اشکال تجلیفات غو و بیعتی و عظمت طلبی تدبیر و زاری و خرده بورژوازی ایران مقابله کنیم. ما باید تمام نیروها و احزاب را که مدعی دفاع از منافع خلق کردانند ما حق تمهین سرزودت را تنها با عطف و تبعیضهای نظیر فقط تماهتاری و یکپارچگی ایران. تا عهدی که نگنده به مقابله نیروها نمیکند و هم اکنون آنها مات غو و بیعتی خود را بر علیه خلق کرد بر آورده اند و در کس می بینند و مقدمات لشکرکشی آنها خود را به کرستان فراخ می سازند در میان کارگران و زحمتکشان آنها و ضروری کنیم. کارگران انقلابی خواستار وحدت کلیه بخشهای طبقه کارگر ایران در مبارزه برای دیکراسی پوسوسا لیسند. طبقه کارگر ایران وحدت طلب است. ما با تمهین وحدت بطریق نظامی و بیوروکراتیک را قاطعانه رد میکنیم. ما خواستار وحدت دا و طلبی نه ملل ساکن ایران هستیم و زیرا الحاق آنها امری ملتعبای ساکن ایران به صرف نظر از عملیات ارتجاعی

و شد دیکراتیک خوده مستقیما موجب تفرقه در صفوف طبقه کارگر ایران و تبعیضات پوسوسا لیس و غو و بیعتی در بخشهای مختلف آن میگردد و این عملا بهما زحمت طلبی بیرونی را و بیوروژوازی در بخشهای مختلف ایران و دنیا له روی کارگران از دهنمان طبقه های خود در چهارچوب هر ملت منجسیر میگردند. طبقه کارگر ایران از جدائی آسیب میبیند اما کارگران و کمونیستهای ایران همواره و در همه حال بر بر الحاق اجباری ملل تحت تسلیم ایران ایستادند و نخواهند ایستاد.

امروز کارگران و زحمتکشان کرستان در "برنیا مه کومه له برای خود ساختاری کرستان" سرزودت سیاسی مطلوب اکثریت قاطع ملت کرد و وحدت طلبی عمیق خود را با طبقه کارگر سراسر ایران به روشنی بیان کرده اند. ما با بیان برنیا صدرا و سیمایه میان توده های کارگر و زحمتکش در سراسر کرستان بهریم وجود این برنیا به به کارگران بیغرو و فعالین کمونیست سراسر ایران امکان میدهد تا خواسته های ملت کرد را از زبان کارگران و زحمتکشان کرستان با وضوح و صراحت برای توده های کارگر و زحمتکش سراسر ایران توضیح دهند و راه گونه تعیین و تعیین در اهداف ما دلائل عینی انقلابی در کرستان را از جانب هر نیروی بورژوازی و خرده بورژوازی و اعم از جمهوری اسلامی و پارتهای نیمه راه خلق کرد قاطعانه رد کنند.

۲) کومه له را وسعاً در میان کارگران و زحمتکشان ایران معرفی کنیم.

جنبش ملی در کرستان جنبشی ما و را طلبی نیست و همانطور که گفتیم همو بیت اصلی این جنبش در دوره ها خرچون بیرونی را و کرستان فرسلف مقدم و رهبری کننده این جنبش است. سازمان انقلابی و زحمتکشان کرستان ایران (کومه له)



نماینده آگاه و بهر کارگران و زحمتکشان گریستان  
 و تقویت جنبش انقلابی در گریستان تنها از طریق  
 تقویت بخش پرولتری این جنبش و سازمان سیاسی  
 پرولتاریا در گریستان نه یعنی کومه له ها مکتب دهر  
 است. در طول دوران پس از انقلاب کومسه له  
 به گریستان همواره همگام با پرولتری را در جنبش خلق  
 کرد و در مواجهه با مسائل متنوع این جنبش  
 نمایندگی کرده است. پرغورد کومه له به ما نور...  
 های مختلف سیاسی و بورژوازی بی دین نظامی  
 دولت اسلامی، مواضع کومه له در قبایل سیاستهای  
 احزاب غیر پرولتری در گریستان و خصوصاً نشانه و  
 تزلزلات آنان و بیوژه برنا و همگام انداز کومه له در  
 زمینه سازماندهی حاکمیت توده ای در گریستان که  
 در برنا و کومه له برای خود ساختاری و قطعاً معهای  
 گذرگرم این سازمان منعکس است. ملاک روشنی  
 برای تشخیص دمکراتیکسم به گریسم پرولتری از  
 ناسیونالیسم و لیبرالیسم بورژوازی در جنبش  
 مقاومت بنیت میدهد. تبلیغات ما در خارج گریستان  
 باید این مرتزقه‌ها را کشته مان کومه له به معنای  
 هر چمدار دمکراسی انقلابی پرولتری و احزاب و  
 سازمانهای بورژوازی لیبرال در گریستان را برای  
 کارگران و زحمتکشان ایران روین کند و آنان را نه  
 صرفاً به دفاع از حق تعیین سرنوشت بطور کلی بلکه  
 به دفاع از سیاستهای پرولتاریا و انقلابی در  
 گریستان یعنی سیاستهای کومه له فراخواند.  
 اما محدود کردن کومه له به سازمانی که جناح  
 را در کال جنبش مقاومت را تشکیل میدهد نرسد  
 است بیوژه آنکه تبلیغات بورژوازی نیز اساساً  
 ارائه تصویری محدود و محدود از کومه له بعنوان  
 یک سازمان ملی - منطقه ای افراطی را هدف خود  
 قرار داده است. بورژوازی و ارگانهای تبلیغاتی  
 افراگاهان به دربار ماهیت طبقاتی و اپیدئولوژی  
 انقلابی کومه له سکوت میکنند. از جمهوری اسلامی

تا احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی اپوزیسیون  
 از بی بی سی و غیرگزارای فرانسه تا ارگانهای  
 تبلیغاتی عواری ملی مقاومت و مجاهدین خلق  
 همه در تلافی عیب برای کتمان حضور وسیع و تعیین  
 کننده کومه له در جنبش مقاومت و سکوت گسارادن  
 اپیدئولوژی سیاست و برنا و کومنیستی سازمان  
 کومه له و وحدت عمل دارند. آنان از انسان به  
 قدرت کومنیستیها در جنبش انقلابی خلق گریسم  
 هر استعدیبا تمام توان میکنند تا حقایق زنده بسک  
 جنبش واقعی را با دوز و کلکهای مبتذل تبلیغاتی  
 و تحریفات گاسبکارا نیا غبار این جنبش برده...  
 پوشش کنند همرا با آنان کاملاً بیست و روشهای  
 رها کارانه غان کهنه و غنا غنیده است. ما باید  
 تمام توان خود را این سیاست ارتجاعی تبلیغاتی  
 غیر پرولتری را خنثی کنیم. ما باید در تبلیغات  
 خود جایگاه بیوژه ای به غنا ما ندن کومه له به  
 یک سازمان کومنیستی و پرولتری که صاحب نفوذ  
 با یکا گسترده ای در توده های وسیع زحمتکش در  
 گریستان انقلابی است اختصاص دهیم.  
 کومه له یک سازمان کومنیستی سراسری است  
 که اهداف و سیاستها و امانه تعکيلات آن بسیار از  
 محدود گریستان و جنبش ملی - دمکراتیک فرانز  
 میرود. کومه له به معنای یک سازمان کومنیستی و  
 بنا بر برنا معنوی (برنا مع حزب کومنیست و طبقه  
 خود را سازماندهی پرولتاریا ایران برای انقلاب  
 سوسیالیستی و حرکت قبال در امر میبرد انقلاب  
 جهانی طبقه کارگر قرار داده است. ما بیوژه باید  
 جایگاه تعیین کننده کومه له را در مبارزه به گریسم  
 ما ر کسم انقلابی ایران در دوره اخیر در جنبشهای  
 مختلف بر علیه ریزه پوتسم و پوهولسم به پیش برده  
 است برای کارگران ایران توضیح دهیم. ما باید  
 نقش جهانی کومه له را در انقلاب کومنیست طبقه



کارگران ایران در آرزوی نزدیک ماطرفان کنیم و کومه له را پیشانی یک سازمان حزبی قدرتمند و صاحب نفوذ طبقه کارگران ایران بطور کلی به توده های وسیع کارگران ایران بفخنا ساقیم.

نکنه دیگر اینکه میاید برای تا کید کسره کومه له سمیل استواری تا کتکی کمونیست ها در برابر اردوگاشنا انقلاب و دشمنان دمکراسی و سوسیالیسم ایران بوده است. مقایسه مواضع و عملکردهای کومه له در چهار سال اخیر با «انقلابیون تازه از راه رسیده ای نظیر مجاهدین خلق در تبلیغات ما بسیار آموزنده خواهد بود. ما باید از تاریخ زنده انقلاب ایران کمک بگیریم و به کارگران و زحمتکشان ایران توجیح دهیم که چگونه بسطی می از آنکسازمانهای نظیر مجاهدین خلق از مدیحه سرای برای «مهر خمینی» شان دست بردارند. بسطی می از آنکه بدان از مرحله «تو از قم استرا تریک خود مینوی بر تقاضای طرفهای بی حضور امام خمینی و تنه به پیدین برای عثم» غافل گردان «و بیخی» گش کردن مبلغمهای خود به این و آن آیت الله و نهاد نظامی جمهوری اسلامی گذر کنند و به سرخسده همزدهم یعنی منفجر کردن استرا تریک با ساران و اما چه مدتها و دیگر گرفتاری رئیس جمهورها می گذارند کومه له نیروی خود توده های کارگران و زحمتکش در کرجستان را برای مبارزه مسلحانه توده ای علیه جمهوری اسلامی سازماندهی و هدایت میکرد است. ما باید پیشرو توجیح دهیم که چگونه کومه له کمونیست در زمانی که سازمانهای خرد بورژوازی ایران سهون و نظیر مجاهدین خلق نیروهای خود را به جبهه جنگ با عراق گسیل میکردند و خدا کثراً از دشواریهای این بودند که «حزب ارتجاعی حاکم» را از تضعیف و نفی جمهور محبوب بر حفره زنده کومه له در کرجستان جزگ عظیم زحمتکشان را بر علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی هدایت کرده و با رها با درهم کوبیدن توطئه های

نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی مذکرهای دمکراسی را نه تنها در کرجستان بلکه در سراسر ایران بازشی گرفته است. تاریخ پر افتخار کومه له بیرونه در سال اخیر متا ریخ استواری کمونیستها بر گمانهای دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگران ایران است و هر کارگر ایرانی با بدبیا تک تک لحظات این تاریخ یعنی آن تاریخ تولد طبقه خود به مثابه طبقه ای آگاه به منافع طبقاتی آشنا و اخت عود.

(۲) موقعیت کنونی و دور نمای جنبی انقلابی ایران

کرجستان چیست

اگر بنا بودها سخ این سوال را در اخبار رسمی دولتی جستجو کنیم میاید به این نتیجه میرسیم که تا قبل از انقشار همین شماره کارگر کمونیست لنگر گذرته از اسلام با مدد ز راهندها می میها طین بزرگ و کوچک اثری از آثار جنبی انقلابی در کرجستان بر جانخواه گذشت را ما وظایف تبلیغی ما در اینسن زمینه نمیتواند و نباید به اتفاقا کردن پیوستی تبلیغات رژیم محدود بماند. ما باید توجه کارگران و زحمتکشان را بر روابط عمیقتری که مینمای با برجانی ورعد و تکامل جنبی انقلابی در کرجستان است جلب کنیم. هما نظور که بهتر گفتیم جنبی انقلابی در کرجستان از زمینه های سیاسی و مادی اجتماعی معینی برخوردار است. این یک حرکت مسلحانه هر یکی نیست که گروه سازمانی به اغتشار خود و برای مثال با معایبه موقعیت مساعد کوهستانی و جنگلی منطقه یعنی آنرا آغاز کرده باشد. و به همین اعتبار این جنبی جنبی نیست که با عزام دارو ستها می مزدورها سدا و رجلیان و ارتشی سرکوب خود. این نکته ای است که کما نیکه جنبی سر خلق کرد را با فلان اقدام مسلحانه ابتدا بهسا گش فلان سازمان در جنگلهای شمال و کوهستانهای فارس قیاس میکنند. کاملاً به فراموشی سپرده اند. مبارزه



### پاسخ به نامه ها



\* رفیق ریبوار

نظرات شما در مورد مقاله « کمونیستها »  
 مجاهدین و مذهب \* مندرج در گلزار گزینیست، شماره  
 ۶ پشت ما رسید. غما ضمن تا کهد پسر رضی بریت  
 « برآفتن به مذهب » « کتا بزین عسک حسنی »  
 « مسئولیت پرولتاریا علیه مذهب » « ۲۰۰۰۰ مقلد  
 « کمونیستها » مجاهدین و مذهب « برای جریسن  
 امری کاری نداشته اید و متفکرید که این مقاله  
 در متن مجموعه مقاله اثبی علیه مذهب میتواند منهد  
 واقع گردد \* مجموعه مقاله اثبی که با بنار \* الغضای  
 کتا بهای مقدس \* تا \* لغای جریسات نظریاتی از  
 منبر اسلام و پیوسته از مخطوطات جاهل \* و بعضی منبر  
 \* لغای مملکتها ی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری  
 ما در همین اینکه مجاری را با دین بوی مسکله پند  
 منهد وین را با دین کمونیستها بر عیناً هم پر از حق  
 برآفتن \* مذهب چه عنوان یک ایدئولوژی را برآفتن  
 این نظر به نظر دین و مذهب کمونیست کا بر گلزار گزینیست  
 آنجا که مذهب بشنوان یک ابزار سیاسی در مذهب  
 نیرو و های فهم پرولتاری را بر مملکتها پند آمده است  
 انجا کند \* ما متفکر به لغای مذهباً تبه عملی که  
 سیاسی با جماعتی مذهب هستند و آنجا که مذهب هم  
 چندین امری تا کهد می گذارد با شما محقق ما هم در  
 تر اختصاص داندین مقالات کارگر کمونیست به لغای  
 مفا برت دولت مذهب یا مذهب دولتی با دینکراسی  
 و حکومت مردم بر مردم و بر علیه ممالیات اقتصاد  
 کارگران حتی المقدور خواهیم کوشید \* اما ترا پنداره  
 با نظر شما مبنی بر اینکه « روی اصلی چنین حمله ای  
 باید متوجه جمهوری اسلامی باشد چون اوست که  
 مدافع اصلی مذهب و به کار برنده اصلی آن بر علیه

مسلمانه در کرستان حاصل تکامل مبارزه سیاسی  
 ریشه دار یک ملت تحت ستار و نمکاسر ممالکات و موقوف  
 طبقاتی معضی نیرزون این ملت است \* بنا بر این  
 فعل و انفعالات نظامی در کرستان و نیز برترتاس  
 قوای نظامی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و تنها  
 میتواند مشکل اینها را مبارزه عدت و متفکر  
 دانند آنرا در این با آن مقلح معضی کند مثال آنکه  
 بنا \* و آنجا به این جنبه \* ما تا مکه به مذهبهای  
 سیاسی آن با برجاست و نیروهای سیاسی \* طبقاتی  
 مکرکه این جنبه او را دمه مبارزه نیست تکنه شده  
 یا هیچ فعل نظامی پسر سوال نخواهد رفت \*  
 اما نکته مهمتر اینجاست که هم اکنون در دین  
 نیروهای مسلحانه گسترده ای که بوی به مذهب  
 بهار بر نیروان دشمن در کرستان جریان دارد \*  
 جنبه عالی کرد نه یک پسر کمپنیا \* بلکه مسک  
 جریان تکامل سیاسی را از سر مکتب اندک میشود  
 ترا اما معهود ایمان د نظامی همین گذشته ای به  
 پر پیرو بر دوما ملایمانی نیز این مکتب ملی میتوان  
 مکت کرد \* اول تصدیق مذهب پندیسی سیاسی  
 طبقاتی نیرزون جنبه ملی بطور کلی و دینو مکتب ملی  
 سازمان کومله مکتب به یک سازمان کمونیستی و  
 رهبر کارگران و زحمتکشان کرستان بطور اقصی \*

عالمی اول مکتبها جناس با پندیسی از عالمی  
 مبارزه آشکار سیاسی و نظامی در کرستان است \* در  
 باول این مکتبها و ما ماورا \* طبقاتی تسوده همسا  
 پندیسی رنگ با عده طبقات اجتماعی متفلسف در  
 کرستان گام به گام تصویب روشن تری او ا همسا  
 سیاسی و اقتصاد خود سازمانهای سیاسی ای که  
 این اهداف و منافع را به ان و ناماندگی می کنند  
 بدست آورده اند \* در این میان رعد قدرت پانسی  
 روز افزون کومله و تدقیق و تعریف اهداف و برنامه  
 های سیاسی و اقتصاد دای کومله و جنبه ملی و تقویت  
 جهتگیری زحمتکشان کرستان بسوی کومله نگواه  
 بقیه بر صفحه ۲۲



انقلاب و پروتاریست و پس از آن مجاهدین  
و سلطنت طلبان ... نمیتوانیم موافق با هم به  
دودلیل :

اولا از این جهت که عملکردهای سیاسی و  
اجتماعی مذهب رژیم جمهوری اسلامی برکسی  
پوچیده نیست . شما خود نوشته اید که : «سال است  
که بورژوازی مذهبا همچون سلاح سرکوب آخکار به  
کار برده است » «عخم کارگران و زحمتکشان از مذهب  
ما کسی که جل و پلانی و زنان و کودکان را بیحکم  
شرع انور از خانه اجاره می بهرود ریخته و آواره -  
غان کرده است و جنگ غانمان براندازی که جهاد  
نا میدمد عده سرکوب انقلاب و غوراهای کارگری و  
سازمانهای پیشرو کارگری و کمونیستها که مبارزه  
با کفر و لعاد نا میدمد ...» شما خود به سرا این  
حقیقت آنغان نارید که عملکردهای اسلامی  
جمهوری اسلامی نزدیک و دورهای کارگرو زحمتکشان رسوا  
گفته اند و عخم و نفرت آنان را برانگیخته انده تر این  
صورت یک چنین افشاگری و چه گرمی از طبقه کلرگر  
و بخصوص کارگران کمونیست باز خواهد کرد؟  
بگذارید مجاهدین و سلطنت طلبان به این افشا-  
گری برای عقب مانده ترین و متوهم ترین افسار  
مردم متغول باغندوما به معضلات نهی پهمسروان  
طبقه کارگر بپردازیم .

آنان را در صف مقدم «عمله» قرار نداد . برعکس  
از آنرو که یک چنین نیروهای با اسلام راستین  
واقعی و علوی و غیره خود نریرا بر اسلام فاشیستی  
رژیم جمهوری اسلامی و در عرصه مبارزه طبقاتی حضور  
فعال دارند و برنا معما و سیاستهای بورژوازی خود  
را با منبب تصور ریزه و توجیه میکنند و از آنجا که  
نقایح عملکردهای اجتماعی و سیاسی منبب اینان  
چون رژیم جمهوری اسلامی بر طبقه کارگر آخکار  
نگفته است و ضروری است تا قبل از هر چیز بر خود  
کمونیستها متوجه اینان باشد .

مقالات ما قرار نیست «عخم کلرگران و مستعیدگان  
ایران را از منبب که حکومت میکنند ستم میکند  
و بسا روقه جان و جنبه تنکا رانه از سرمایه و تماسی  
نکبتها پیش دفاع میکند منعکس نماید» «چنین  
انمکاسی تنها میتواند توفیح آنچه باشد که  
«کارگران و مستعیدگان ایران» از قبل بدان  
واقف هستند مقالات ما با یکدیگر کاران را بر آنچه  
نمیدانند واقف سازد . بخصوص اینکه این عدم آگاهی  
میتواند یکبار دیگر به تدریج عملکردهای جمهوری  
اسلامی تحت عنوان جمهوری دمکراتیک اسلامی  
منجر گردد .

☆ رهبر احمد

مقاله بدون عنوان شما در مورد نقد سیک کار  
سایمانهای و پوپولیستی نریالت عده . این مقاله  
دارای اشکالات و نواقصی است که ما را از حساب آن  
برکارگر کمونیست معذور میسازد . ما کوه ... و بهم  
داعث تا از نکات مثبت مقاله شما در ندر زمین مقالات  
نهمه استنادها که این بعمل آوریم .  
از همکاران شما دعوت میکنم با کارگر کمونیست  
متفکریم .

ثانیا ما از این جهت که مدافع اصلی مذهب را  
تنها رژیم جمهوری اسلامی نمی غنایم . تقریباً تمام  
سازمانهای سیاسی امروز همچون بورژوازی رژیم  
علا فح مذهب دولتی هستند و بخصوص نیروهای  
بورژوازی مبدین خلق و غورای ملی مقابلت رسما و  
علنی حکومت منبب جان نباری میکنند . نمیتوان  
بدین دلیل که چنین نیروهای هندسوزا مکسان  
نما گفته اند تا به کار برنده مذهب بعنوان پایه  
ایندو لوی یک سیاستهای دولت بورژوازی خودی  
باغنده آنان را مدافع اصلی مذهب ننامد و



★ رفیق رحمانه بهمخرگ کومه له برای ما نوشته اند:

" مقاله " کمونیستها مجاهدین و مذهب " در کارگر کمونیست شماره ۶ دربرخورد به مذهب روشی چپ روانه داشته است و دربرخورد به مذهب و نهضیات مذهبی روستا لیان کردستان را در نظر نگرفته است . ما باید اینگونه مطالبه برای کارگران شهری مفید و قابل استفا دو با دعا ما با توجه به اینکه کارگر کمونیست بطور وسیع در کرجستان پیش میوهده چاپ این مقاله اصولی نبوده است ."

بها اعتقاد ما پاسخ رفیق در مقاله " تبلیغ پرورسه و شیوه پرورشی تبلیغ " در همان شماره کارگر کمونیست به روشنی داده شده است . ما قبیل از هر چیز مثلا نامه مجدد آن مقاله را به رفیق رحمان توصیه میکنیم . اما شاید ذکر و توضیح نموده تاریخچه ای برای ترک بهتر موضوع مفید باشد .

کوششها موفقتند حقایق جا صد و مبارزه طبقاتی را در هر شرایطی برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهند . نهضیت خود بخود توسط بورژوازی زحمتکمره نهضتی است که مدا و توسط بورژوازی و جامعه بورژوازی تحکیم میخورد و انعکاس نظرات و آراء طبقات حاکمه است . ما نه تنها نباید به این

نهضیت تمکین کنیم بلکه اساسا اولین وظیفه ما در هم شکستن اصولی تعصبات و توهمات عقب مانده و جایگزینی آنها با ترک روشنی از منافع طبقاتی است . تبلیغ اصول پایه ای کمونیسمه اصولیکه انعکاس مستقیم منافع طبقاتی کارگران و استثمار شونده گان جامعه است و نه تنها چپ روانه نهضت بلکه وظیفه همیشه ماست و تنها چنین تبلیغی است که میتواند در خدمت قدرت گیری نهائی جنبش کارگری ورشد آن قرار گیرد .

در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خمینی علیه کردستان

فرمان جواد داد . او ناسیونالیسم عظمت طلبانه ملت فارس و نهضیت مذهبی و توهمات سیاسی توده های وسیع را به عدت گرفت و توده وسیعی از کارگران و زحمتکشان را بر علیه خلق کرموا اهداف حق طلبانه او و بر علیه رهبران و سازمانهای سیاسی ملت کرد به سخره کشید . ا و خلق کرد را کافر و تبهکار طلبخواه تصور بیان جوی از تنریکات ناسیونالیستی و مذهبی بوجود آورد و زحمتکشان سپاهاری در دست بر غلات منافع طبقاتی خود برای مخرج نیرمقابل جنبشی خلق کرد قرار گرفتند . برای این میان وظیفه کمونیستها چه بود ؟ آیا اگر آنها همان قدر فقی رحمانی بره ساله بر خورد می کردند تنها بد ما تفتد مجاهدین خلق و همسای زمانهای اپورتونیست و شوروی نیست ظاهر رنجبران را تا ندیده کمونیستها چنین موضعی می گرفتند : " دفاع از حق تعمیم سر نوشت خلق کرد و دفاع از سازمانهای انقلابی آن چپ روانه است زیرا نهضیت و تعصبات توده های زحمتکشی خلق را در نظر نمیگیرد . ما نباید به موضع اصولی خود را در برابر این نهضیات و تعصبات بهمان کنیم . ما نمیتوانیم از حق تعمیم سر نوشت خلق کرد تا خود جدا بی دفاع کنیم مردم نمی پذیرند ."

رفیق رحمان ! يك لحظه تعقیب کنید . آیا خود شما حاضر بودید نهرویی را که در مقابل نهضت ناسیونالیستی و مذهبی توده وسیعی از مردم غسر کرد در آن مقطع تزلزل به خرج میداد و حتی يك گام از موضع اصولی کمونیستی عدول نمیکرد ؟ کمونیست بنا میهد و یا به اولست وحدت بندید ؟ (خلیغرا اینکه تعصبات عمومی در آن مقطع چنان عظیم بودند که با نهضت مذهبی مردم کردستان در مقابل حاضران بنا قابل مقایسه نبود ) . آیا موضع اصولی ما زمانهای کمونیستی ما نند ام . که در آن مقطع بدون قید و شرط از جنبش خلق کرد دفاع کرده اند ؟

بقیه در صفحه ۱۲



مقاله از صفحه ۲۱

شما هر چند قدری اما مداوم و مفید کنار گران و  
و مستکمان کرستان از بورژوازی و خرده بورژوازی  
بر بیرون جنبش ملی است. با زوری آوری هر چه بیشتر  
کارگران و زحمتکشان کرستان بنا به ایجاد صف مستقل  
خویش تحت پرچم کومه له جنبش ملی بطور کلی  
استحکام می یابد و پیش از همه از رهبری استوار و  
همگامی برخوردار میگردند.

عامل دوم که خود بررعد این طلب جنبشی  
طبقاتی در کرستان متکی است تنها مل اینست  
لوزیکه سیاسی و عملی - تفکراتی سازمان کومه له  
است. اینجا تا آنجا که ما را کسب انقلابی  
برای و داغ با مراث عقب مانده و دست و پا گیر  
تفکر و عمل خرده بورژوازی در صفوف جنبشی  
کمیونیستی ایران نقی تعیین کننده ابقا کرده و  
میکنند. استحکام نظری و عملی کومه له و پیوسته  
استوار شدن هر چه بیشتر آن بر موازین گزارش کمیونیستی  
بر جنبش طبقه کارگر و جنبش ملی در کرستان آن  
عاجس تعیین کننده ای است که آ پندهای امیدبخش  
را برای جنبش انقلابی در کرستان و کنار گران و  
زحمتکشان فعال در این جنبش ترسیم می کند.

بدیهی است که این دورتمای مساعیده پیوه ای  
جبری تحقق نمی پذیرد. اما نکته اساسی اینجاست  
که شرایط عینی جنبش انقلابی در کرستان مساعیده  
ترس زمینه ها را برای پیشروی کارگران و زحمتکشان  
کرستان تحت پرچم کومه له آماده ساخته است و  
پیشروی و پیشروی این جنبش یعنی از هر زمان دیگر  
بسیار گامی و استواری کمیونیستها در امر است  
موازین سیاسی و عملی کمیونیستی و موازین که  
پلنوم کمیته مرکزی کومه له در دنیا سال ۶۱ تمدد

عود را بعد آن اعلام نموده است به سبب یافته است.  
تبدیلات ما بویژه با پیدای سر تکسایلیسی  
طبقاتی و تفکراتی در جنبش خلق کرد برای کارگران  
ایران خود هیچ بعد و آنان را قانرا از ندا نیروی  
اعبار کلی نظامی و فاعصهای عمومی همسرقت و  
عقب نهی جنبش انقلابی در مقاطع مختلف است  
سرقت قدرت گیری و انسجام روزا لزوم طبقه خویش  
در این جنبش را تعیین نموده و به آن با هم رساند.  
دورتمای جنبش مقاومت در کرستان یک دورتمای  
صوم فلتانی نیست، سر نوع طبقاتی و احزاب سیاسی  
در این جنبش یکسان نیست و طبقه کارگر ایران با پید  
پیدا اندوه و آن تحولاتی را که زمینه قدرت گیری  
بخش بیرونتری در این جنبش و پیدای انا نه گناری  
و پیشروزی نهایی جنبش انقلابی خلق کرد است پس  
تقت به فاسد.

مهاجری جمهوری اسلامی میلی سرعکت  
انقلاب در کرستان مهاجری بویک و توغالی است  
واقعیست هم اندازا که ملا متفاتی را پیداروی ما  
گشوده است. امروز عوامل زمینه های مساعیده  
بسیاری برای فراهم شکته عدن مسجد پیشروی  
منبوجا هر زمینه به کرستان وجود دارد و جنبشی  
انقلابی خلق کرد از این توان برخوردار است تا  
نه تنها ابقا عمل در عرصه های مختلف مبارزه بر  
علیه جمهوری اسلامی را بدست گیرد بلکه بسا  
و آرد آوردن ضربات کاری بر رهبر فرتوت و پیوسته  
جمهوری اسلامی، بار دیگر روند اوضاع سیاسی در کل  
کشور را بفتح انقلاب و دمکراسی انقلابی دیگرگون  
نارد.

منصور حکمت

# کارگران جهان متحد شوید!